



اعتماد یا حذف صداها؟
محمد عطریان فر



اکستریم‌بسیم خشن
درباره حمله به محسن چاووشی



کانال کافه دیزاین
گزارش محاکمه صادق ساعدی



وزیر نامرئی

چرا سیدمحمد اتابک، وزیر صمت را باید وزیری موفق دانست؟



یادداشت روز

پساجنگ شهروندساز

همبستگی ملی در روزهای بحران، ضرورت بازتعریف حکمرانی را آشکار کرده است



صالح نقره‌کار

حقوقدان

ایران پساجنگ در وضعیتی قرار گرفته که سرمایه اجتماعی ارزشمندی، متکی بر تاریخ ایران و فرهنگ فخیم آن به مثابه یک قدرت ملی شکل گرفته است؛ سرمایه‌ای که طیف وسیعی از فداکاران وطن‌پرست را در مسیر دفاع و حمایت از تمامیت ارضی، وحدت سرزمینی و استمرار تمدنی ایران در خدمت ارزش‌های ایرانی و ایمانی قرار داده است. اکنون برای حفظ، پاسداری و پرستاری از این سرمایه ارزشمند، تکالیفی قابل‌توجه پیش‌روی حاکمیت و جامعه قرار دارد.

نکته قابل‌توجه آن است که ایران امروز نیازمند دستیابی به الگویی جدید از حکمرانی است؛ الگویی که با گذشته متفاوت باشد. تغییراتی که از قایع اعتراضی هجدهم و نوزدهم دی‌ماه شکل گرفت و همبستگی‌ای که در جنگ ۱۲ روزه و شرایط ناپایدار فعلی محقق شد، برای ما دلالتی روشن و در عین حال عبرت‌آموز دارد؛ اینکه باید با همه توان برای پاسداری از ایران از همه سرمایه اجتماعی ایرانیان بهره‌مند شد. قومیت‌ها، قباایل، احزاب، جمعیت‌ها، تکرها، موافقان و مخالفان، همه ایرانی‌اند و آن زمان که پای ایران به میان می‌آید و نام ایران متجلی می‌شود، همه پای وطن می‌ایستند.

چپ‌ها، ملی‌مذهبی‌ها، زندانیان، محصوران و حتی آنان که زمانی در کشاکش رقابت‌های سیاسی حاضر نبودند بر سر یک سفره بنشینند اکنون در وضعیتی قرار گرفته‌اند که برای پایداری ایران، دوشادوش یکدیگر ایستاده‌اند و بسا وجود همه تفاوت‌ها و تکرها، نام ایران را تداعی و تصویرگری می‌کنند. این همبستگی سرمایه‌ای است که نباید از دست برود.

در این مسیر، نخست باید مفهوم «شهروندی مسئولیت‌پذیر» مورد توجه قرار گیرد؛ یعنی گفتگویی در کشور شکل بگیرد که همه شهروندان با نگاه برابر دیده شوند و مسئولانه، همانند ملت‌هایی چون ژاپن پس از هیروشیما یا آلمان پس از جنگ جهانی دوم، برای ایران بایستند و برای خلق ارزش افزوده، توسعه کشور و جبران خسارت‌های ناشی از جنگ و بحران اهتمام داشته باشند.

در مقابل، حاکمیت نیز باید نگاه خود را به شهروندان تغییر دهد؛ تبعیض را کنار بگذارد و حقوق اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، رفاهی، محیط‌زیستی و حقوق مرتبط با فضای مجازی را با نگاهی نو بازتعریف کند. اصلاح هنجارها، ساختارها و روش‌ها با رعایت حقوق بنیادین و اصل برتری کرامت انسانی تک‌تک شهروندان ایرانی ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است.

ایران امروز بیش از هر زمان دیگری به دولتی فروتن، کرامت‌گرا، مسئولیت‌پذیر، حق‌مدار، فسادستیز و اعتمادمحور نیاز دارد؛ حکمرانی‌ای که مشارکت‌پذیر باشد و همه ایرانیان را به رسمیت بشناسد. در چنین شرایطی باید از جریان‌های سیاه‌نما، اقتدارگرایان، سوداگران و منفعت‌جویانی که در پی تضعیف سرمایه اجتماعی هستند، فاصله گرفت و جبهه واحد عاشقانه ایران را با همه تفاوت‌ها و تکرها، هم‌سو و هم‌نوا کرد تا مسیر کشور به سمت توسعه، تغییر و همبستگی ملی حرکت کند.

هیچ دشمن خارجی دل‌سوز ایران نیست. در کنار تهدیدهای بیرونی، گرانی، تورم، یک‌سسالاری، خشونت‌گرایی، فساد و هر اقدامی که به حذف یا هضم سرمایه‌های اجتماعی ایرانیان منجر شود نیز در عمل بازی در زمین دشمنان است. از این منظر، امروز بیش از هر زمان دیگری محتاج حمایت از همه سرمایه اجتماعی ایرانیان برای خلق فرصت‌های بهتر فراری کشور در دوران پساجنگ هستیم.

افزایش اختیارات

با پیشنهاد رئیس‌جمهور و تأیید رهبر انقلاب، محمدباقر قالیباف که در حال حاضر هم رئیس مجلس است و هم رئیس تیم مذاکرات ایران و آمریکا، به‌عنوان نماینده ویژه ایران در امور چین نیز منصوب شد



عاطفه شمس

گروه سیاسی

انتصاب محمدباقر قالیباف، به‌عنوان نماینده ویژه ایران در امور چین، در کنار دیدارهای وزیر کشور پاکستان در تهران، در نگاه بسیاری از تحلیلگران نشانه‌ای از شکل‌گیری یک آرایش تازه در سیاست خارجی ایران است؛ آرایشی که در آن کانال‌های ارتباطی رسمی و غیررسمی همچنین بازیگران منطقه‌ای و قدرت‌های شرقی در یک شبکه موازی برای مدیریت تنش‌ها و پیشبرد منافع راهبردی کشور فعال شده‌اند.

شروع یک آرایش تازه

در روزهای اخیر، تهران شاهد دو تحول مهم و هم‌زمان در عرصه دیپلماسی بوده است. از یک‌سو، پرونده راهبردی روابط ایران و چین با اختیاراتی گسترده‌تر از گذشته به محمدباقر قالیباف سپرده شده؛ سمتی که نسبت به ساختارهای قبلی، نقش هماهنگ‌کننده‌تر و فراجنشی‌تری دارد. از سوی دیگر وزیر کشور پاکستان در سفری رسمی به تهران با مقام‌های ارشد ایرانی از جمله قالیباف و پزشکیان دیدار کرده است.

دیدارهای مقام پاکستانی در تهران گرچه در ظاهر در چارچوب روابط دوجانبه و همکاری‌های امنیتی تعریف شده اما گزارش‌های رسانه‌ای از جمله اظهارات نورالدین الدغیر، خبرنگار الجزیره، از مأموریت مهم‌تری خبر می‌دهند که در آن اسلام‌آباد تلاش می‌کند، نقشی فراتر از یک میانجی سنتی میان ایران و آمریکا ایفا کند. بر همین اساس اسلام‌آباد می‌کوشد از یک «ناقل پیام» به یک «تنظیم‌کننده پیام» تبدیل شود؛ به این معنا که نه تنها پیام‌ها را منتقل می‌کند بلکه در شکل‌دهی به چارچوب و محتوای آنها نیز نقش ایفا می‌کند تا فاصله مواضع تهران و واشنگتن تا حد امکان کاهش پیدا کند. هدف این نوع میانجی‌گری فعال، ایجاد یک بستر قابل مذاکره در شرایطی است که مسیرهای مستقیم دیپلماتیک میان ایران و آمریکا با بی‌اعتمادی عمیق و بن‌بست‌های تکرارشونده روبه‌رو شده‌اند. در این چارچوب میانجی تلاش می‌کند انتظارات دو طرف را به یکدیگر نزدیک کند، از تشدید شکاف‌ها جلوگیری کند و اجازه ندهد اختلاف‌ها در همان مراحل ابتدایی به بن‌بست کامل برسد. دیدار هم‌زمان این مقام پاکستانی با قالیباف و رئیس‌جمهور ایران نیز در همین چارچوب معنا پیدا می‌کند. برخی تحلیل‌ها معتقدند این دیدارها می‌تواند بخشی از تلاش برای ساخت یک مسیر ارتباطی جدید باشد که در آن پیشنهادها، قبل از رسیدن به میز اصلی مذاکره از فیلتر یک میانجی منطقه‌ای عبور می‌کنند.

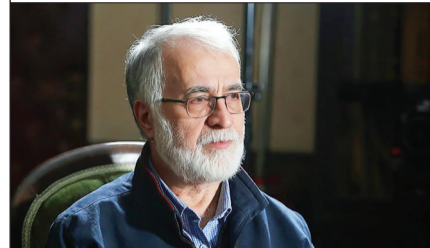
ادامه در صفحه ۲



گفتار

اعتماد یا حذف صداها؟

عطریان فر: جامعه‌ای که امکان نقد مسئولانه را حفظ کند، در برابر دشمن مقاوم‌تر می‌شود



گروه سیاسی: محمد عطریان‌فر، عضو شورای مرکزی و معاون سیاسی دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی ایران، در تحلیلی درباره نسبت میان امنیت ملی، آزادی نقد و ضرورت حفظ وحدت اجتماعی بر این نکته تأکید دارد که انسجام ملی نه با برخوردهای شتاب‌زده و امنیتی بلکه از مسیر اعتماد عمومی، شفافیت و مشارکت شهروندان شکل می‌گیرد. او معتقد است در شرایط بحرانی، به‌ویژه در وضعیت‌های جنگی و تنش‌های سیاسی، مهم‌ترین وظیفه حاکمیت آن است که میان نقد دلسوزانه و اقدامات سازمان‌یافته برای تخریب وحدت ملی، مرز روشنی ترسیم کند؛ چراکه هرگونه خلط میان این دو، به‌جای تقویت اقتدار ملی، به تضعیف سرمایه اجتماعی منجر خواهد شد.

عطریان‌فر در گفت‌وگو با ایسنا با اشاره به رفتارهایی که می‌تواند به تعمیق شکاف‌های اجتماعی، افزایش ناامیدی عمومی یا هم‌صدایی با روایت‌های خصمانه منجر شوند، اظهار کرد: «این موضوع از حساسیت بالایی برخوردار است؛ چراکه از یک‌سو حفظ امنیت روانی و انسجام ملی ضرورت دارد. از سوی دیگر، جامعه بدون امکان نقد و گفت‌وگوی آزاد به سمت انباشت نارضایتی‌های خاموش سوق پیدا می‌کند؛ بر همین اساس در هر نوع مواجهه با صاحبان تریبون باید میان نقد دلسوزانه و عمل سازمان‌یافته با هدف تخریب وحدت ملی تفکیک قائل شد».

عضو شورای مرکزی حزب کارگزاران سازندگی ایران با اشاره به شرایط خاص کشور در موقعیت‌های بحرانی و جنگی تصریح کرد: «طبیعی است که قانون در چنین شرایطی نسبت به همکاری مستقیم با دشمن، تشویش عامدانه اذهان عمومی یا تحریک به خشونت، حساسیت بیشتری نشان دهد؛ اما اگر دایره برخوردها به‌گونه‌ای تعریف شود که هر صدای متفاوتی ذیل «بازی در زمین دشمن» قرار گیرد، نتیجه‌ای معکوس به همراه خواهد داشت. اقتدار پایدار تنها با ابزار قضایی حاصل نمی‌شود بلکه نیازمند سرمایه اجتماعی و اعتماد عمومی است».

عطریان‌فر در تشریح اصول مواجهه با منتقدان، نخستین اصل را مرزبندی شفاف میان انتقاد و اقدام تخریبی دانست و گفت: «نخستین اصل، مرزبندی روشن میان انتقاد و اقدام تخریبی است. نقد حتی اگر تند و تلخ باشد الزماً نباید هم‌سنگ خیانت تلقی شود؛ مگر آنکه با دروغ‌پراکنی عامدانه، تحریک به آشوب یا همکاری آشکار با جریان‌های معاند همراه باشد».

معاون سیاسی دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی، اصل دوم را تقدم روشن‌نگری و افق‌افکار عمومی بر برخوردهای امنیتی عنوان کرد و در این باره گفت: «اصل دوم، تقدم روشن‌نگری و رجحان پاسخ‌گویی از انتقادات اجتماعی با گفت‌وگوی صریح، مناظره، شفافیت رسانه‌ای و پاسخ مستدل فروکش می‌کند، درحالی که برخوردهای شتاب‌زده گاه به‌قهرمان‌سازی رسانه‌ای کاذب منجر می‌شود».

او همچنین تأکید کرد که اگر برخورد قضایی ضرورت پیدا کند، این روند باید کاملاً قانونی، شفاف و فارغ از گرایش‌های سیاسی انجام شود. به گفته عطریان‌فر، «برخوردهای قضایی این چنینی باید فارغ از سلیقه سیاسی صورت گیرد؛ به‌گونه‌ای که افکار عمومی احساس نکند، قانون صرفاً علیه یک جناح یا دیدگاه خاص اعمال می‌شود. عدالت زمانی به آرامش جامعه منجر خواهد شد که بی‌طرفی آن به‌وضوح دیده شود».

عطریان‌فر در پایان، حفظ وحدت ملی را وابسته به گسترش حسن‌تعلق عمومی دانست و تصریح کرد: «تحقق این هدف مستلزم آن است که همه دلسوزان کشور، حتی منتقدان، احساس کنند در دایره «خودی» قرار دارند. جامعه‌ای که در آن امکان نقد مسئولانه باقی بماند، در برابر دشمن بیرونی نیز مقاوم‌تر خواهد بود؛ چراکه انسجام حقیقی از دل اعتماد و مشارکت می‌رود».

کالابریک در کانون انتقاد

جزئیات دومین جلسه غیرعلنی برخط مجلس با حضور وزیر کار



گروه سیاسی: پس از هفته‌ها وقفه و محدود شدن جلسات مجلس به دلیل شرایط جنگی، روز گذشته دومین نشست غیرعلنی و برخط مجلس در سال ۱۴۰۵ با حضور احمد میدری، وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی برگزار شد؛ نشستی که با توجه به سابقه اختلاف‌نظرها میان مجلس و وزارت کار قابل پیش‌بینی بود که محور اصلی آن به انتقاد از وضعیت معیشت مردم، کالابریک الکترونیک و بیمه بیکاری اختصاص پیدا کند. در این نشست، هم آمارهای ارائه شده از سوی وزارتخانه زیر سوال رفت و هم وعده‌های دولت درباره حمایت از اقشار کم‌درآمد با چالش جدی نمایندگان رویه‌رو شد.

عباس گودرزی، سخنگوی هیأت‌رئیس مجلس، در تشریح جزئیات این نشست به خبرنگاران گفت: «جلسه دوم صحن مجلس در سال ۱۴۰۵ با حضور ۱۱ عضو هیأت‌رئیس، ۶ نماینده کمیسیون اجتماعی، نمایندگان مرتبط و ۲۰۹ نماینده به‌صورت آنلاین برگزار شد». به گفته او در این نشست آخرین وضعیت اجرای کالابریک و مقابله با بیکاری ناشی از آسیب‌های تولیدی بررسی شد و چند نماینده دیدگاه‌های خود را مطرح کردند. همچنین وزیر کار، گزارشی از وضعیت معیشت و اقدامات حمایتی از جمله کالابریک ارائه داد.

اما روایت احمد نادری، عضو هیأت‌رئیس مجلس، تصویر شفاف‌تری از فضای جلسه ارائه داد؛ او تأکید کرد که نمایندگان از توضیحات وزیر رضایت نداشتند و گفت: «آمارهای ارائه‌شده از سوی وزارت تعاون عمدتاً به‌روز و راضی‌کننده نبود و نمایندگان از عملکرد این وزارتخانه گلایه داشتند». نادری بخش مهمی از انتقادات را متوجه طرح کالابریک دانست و گفت: «با وجود وعده‌های مکرر دولت و حتی شخص وزیر رفاه برای افزایش مبلغ کالابریک متناسب با رشد قیمت کالاهای اساسی، تاکنون اقدامی صورت نگرفته است؛ این موضوع نشانه خلف‌وعده آشکار نسبت به مردم و اقشار کم‌درآمد است». او همچنین از انتقاد نمایندگان نسبت به متناسب‌سازی حقوق بازنشستگان و تعدیل گسترده نیروها در شرکت‌های زیرمجموعه وزارت کار به‌عنوان یکی از

ادامه تیتربیک

افزایش اختیارات

چین و پاکستان در یک شبکه ژئوپلیتیک جدید

اهمیت این تحولات زمانی بیشتر می‌شود که آنها را در کنار مأموریت جدید قالبیاف در پرونده چین قرار دهیم. چین همچنان محور اصلی سیاست خارجی ایران در حوزه اقتصادی و راهبردی است اما در کنار آن پاکستان نیز به‌عنوان حلقه ارتباطی میان شرق و غرب، جایگاه ویژه‌ای پیدا کرده است. اسلام‌آباد از یک‌سو روابط نزدیک با پکن دارد و از سوی دیگر کانال‌های ارتباطی خود با آمریکا را حفظ کرده است. همین موقعیت، آن را به بازیگری تبدیل کرده که می‌تواند در شکل‌دهی به یک شبکه غیرمستقیم دیپلماتیک نقش‌آفرین باشد؛ شبکه‌ای که در آن چین، پاکستان و کانال‌های غیرمستقیم ایران-آمریکا به‌طور موازی در حال فعالیت هستند.

در کنار این تحولات، انتصاب قالبیاف به‌عنوان نماینده ویژه ایران در امور چین یک تغییر مهم در سطح مدیریت پرونده‌های کلان سیاست خارجی کشور محسوب می‌شود. توافق ۲۵ ساله ایران و چین، که سال‌هاست در فضای سیاسی و اقتصادی درباره آن بحث می‌شود اکنون وارد مرحله‌ای شده که نیاز به اجرای جدی‌تر و هماهنگی بیشتر دارد.

براساس گزارش‌های منتشرشده، این سمت با پیشنهاد رئیس‌جمهور و تأیید رهبر انقلاب به او محول شده و نسبت به ساختارهای قبلی، اختیارات گسترده‌تری دارد. تفاوت اصلی اینجاست که در مدل جدید، این مأموریت ماهیت فرابخشی دارد؛ یعنی قالبیاف فقط نماینده یک نهاد یا قوه نیست بلکه نقش هماهنگ‌کننده میان چند ساختار مختلف برعهده دارد. این تغییر نشان می‌دهد که پرونده چین از سطح یک همکاری معمولی اقتصادی فراتر رفته و به یک محور راهبردی در سیاست خارجی ایران تبدیل شده است. در چنین شرایطی، نقش قالبیاف بیشتر شبیه یک مدیر هماهنگ‌کننده کلان است تا یک مجری ساده. او باید موانع نهادی را کاهش دهد، سرعت تصمیم‌گیری را بالا ببرد همچنین پروژه‌های مشترک با چین را از حالت کاغذی به مرحله اجرا برساند. اما اهمیت این سمت زمانی بیشتر می‌شود که آن را در ادامه یک روند بینیم، روندی که طی آن قالبیاف پیش‌تر نیز در جایگاه رئیس تیم مذاکره‌کننده قرار گرفته بود و این حکم دومین مأموریت مهم او در ساختار جدید تلقی می‌شود.

محورهای اصلی اعتراض در صحن خبر داد.

علیرضا سلیمی، دیگر عضو هیأت‌رئیس مجلس شورای اسلامی نیز در گفت‌وگو با آوش درباره جزئیات این جلسه گفت که این جلسه نسبت به جلسه قبل بهتر بود و بسیاری از مشکلات فنی برطرف شد به‌طوری‌که تعداد حاضران به ۲۲۶ نفر رسید. او افزود که برخی نمایندگان به دلیل ضعف اینترنت یا قطع ارتباط، نتوانستند کامل متصل شوند اما به‌طور کلی وضعیت فنی رو به بهبود است. سلیمی درباره بیمه بیکاری نیز گفت که ۳۰۰ هزار نفر ثبت‌نام کرده‌اند که برای ۱۵۰ هزار نفر پرداخت انجام شده و بقیه در مرحله بررسی و راستی‌آزمایی هستند. این آمار در امتداد همان نگرانی‌هایی مطرح شد که پیش‌تر درباره وضعیت معیشت، تعدیل نیروها و فشار اقتصادی بر خانوارها در جلسه مجلس بیان شده

بود. او درباره کالابریک هم تأکید کرد: «تعهد دولت این نبود که فقط عدد ریالی ثابت بماند؛ قرار بود مقدار کالا و کالری دریافتی خانوار حفظ شود. وقتی برخی کالاها اساسی تا ۶۰ درصد گران شده‌اند، دولت باید متناسب با آن حمایت را افزایش دهد».

در مجموع، خروجی این نشست نشان می‌دهد، مجلس در مواجهه با وزارت کار از سطح پرسش‌های معمول فراتر رفته و وارد مرحله مطالبه‌گری مستقیم درباره اثر واقعی سیاست‌های حمایتی شده است. مجلس حالا صریح‌تر از گذشته از دولت می‌خواهد که نگذارد، سفره خانوارها کوچک‌تر نشود و در این راستا خواهان به‌روزرسانی حمایت‌های معیشتی از کالابریک تا بیمه بیکاری و حقوق بازنشستگان، متناسب با واقعیت تورم و فشار اقتصادی است.

نشان‌دهنده تلاش برای مدیریت تنش‌های منطقه‌ای از مسیرهای غیرمستقیم باشد. در این چارچوب، حتی بدون مذاکرات رسمی میان ایران و آمریکا، امکان شکل‌گیری توافق‌های محدود یا مرحله‌ای در حوزه‌هایی مانند کاهش تنش‌های منطقه‌ای یا مدیریت بحران وجود دارد. در این مدل به‌جای یک مسیر مستقیم و پرتنش میان ایران و آمریکا، چند مسیر موازی شکل می‌گیرد. این ساختار اگرچه پیچیده است اما در شرایط بی‌اعتمادی سیاسی می‌تواند، عملی‌تر از مذاکرات مستقیم باشد.

از اقتصاد تا سیاست و سناریوهای آینده

در بعد اقتصادی نیز اجرای کامل توافق ایران و چین می‌تواند یکی از بزرگ‌ترین پروژه‌های توسعه‌ای کشور در سال‌های آینده باشد. حوزه‌هایی مثل توسعه بنادر، حمل‌ونقل ریلی، سرمایه‌گذاری در انرژری و بهره‌برداری از معادن، در صورت اجرای کامل این توافق، می‌تواند ساختار اقتصادی کشور را تغییر دهند. اما این مسیر ساده نیست. اجرای چنین پروژه‌هایی نیازمند ثبات تصمیم‌گیری، هماهنگی نهادی و کاهش اختلافات داخلی است. بدون این عوامل حتی بزرگ‌ترین توافقات هم ممکن است در مرحله اجرا با کندی یا توقف مواجه شوند. در بعد سیاسی هم ترکیب مأموریت چین با نقش احتمالی پاکستان در میانجی‌گری نشان‌دهنده ورود ایران به مرحله‌ای پیچیده‌تر از دیپلماسی منطقه‌ای است. مرحله‌ای که در آن اقتصاد، سیاست و امنیت به هم گره خورده‌اند و هر تصمیم در یک حوزه می‌تواند بر حوزه‌های دیگر اثر بگذارد.

در برخی تحلیل‌ها نیز حتی این فرض مطرح می‌شود که تقویت روابط ایران با شرق می‌تواند به‌صورت غیرمستقیم در مذاکرات احتمالی با غرب نقش داشته باشد؛ اما این موضوع هنوز در سطح تحلیل و گمانه‌زنی است و هیچ تأیید رسمی ندارد. در نهایت آنچه از مجموع این تحولات دیده می‌شود، حرکت آرام اما پیوسته سیاست خارجی ایران به سمت یک مدل چندلایه است. مدلی که در آن بازیگران مختلف منطقه‌ای و جهانی در کنار هم قرار می‌گیرند و هر کدام بخشی از معادله را شکل می‌دهند. موفقیت این مدل اما وابسته به شرایط منطقه‌ای، اراده سیاسی طرف‌ها و میزان هماهنگی داخلی است.

وضعیت آشفته سیاسی

نخست‌وزیر انگلیس در آستانه استعفا قرار گرفت



به شدت متزلزل کرد. پیش از ترس نیز ترزا می درگیر بن‌بست سیاسی برگزیت شد؛ بحرانی که پس از همه‌پرسی ۲۰۱۶ شکل گرفت و در نهایت او را وادار به استعفا کرد. پس از آنکه انتخابات زودهنگام ۲۰۱۷ اکثریت پارلمانی حزب محافظه‌کار را از بین برد. در مجموع اگر تجربه استارمر، سوناک، تراس و می در کنار یکدیگر قرار گیرد، تصویری روشن از تحول ساختاری در سیاست بریتانیا شکل می‌گیرد. نخست‌وزیران پیش از گذشته نه در میدان انتخابات عمومی بلکه در درون حزب خود و تحت فشار نمایندگان و افکار عمومی سقوط می‌کنند. این روند نشان می‌دهد که در نظام سیاسی امروز بریتانیا، ثبات رهبری به‌طور فزاینده‌ای شکننده شده و فاصله میان پیروزی انتخاباتی و بحران سیاسی به‌طور چشمگیری کاهش یافته است.

کردند، ضربه‌ای جدی به انسجام داخلی دولت وارد کرد. در نتیجه جایگاه استارمر در میان نمایندگان حزب کارگر از یک رهبر پیروز به یک چهره پرریسک انتخاباتی تغییر یافت؛ فردی که بسیاری از اعضای حزب، او را نه یک دارایی سیاسی بلکه عاملی برای تهدید آینده انتخاباتی حزب می‌دانند. این روند را می‌توان در کنار تجربه نخست‌وزیران پیشین نیز تحلیل کرد. ریشی سوناک در شرایطی قدرت را به دست گرفت که حزب محافظه‌کار پس از سال‌ها حضور در قدرت دچار فرسودگی شدید و بحران‌های درونی شده بود. پیش از او، لیز تراس تنها ۴۵ روز در قدرت ماند و یکی از کوتاه‌ترین و پرتنش‌ترین دوره‌های نخست‌وزیری در تاریخ مدرن بریتانیا را رقم زد. بحران مالی ناشی از سیاست‌های اقتصادی او، اعتماد بازارها را

و کاهش شدید محبوبیت قرار گرفته است. نقطه عطف این سقوط، نتایج ضعیف انتخابات محلی اخیر بود. جایی که رأی‌دهندگان با شدت قابل توجهی حزب کارگر را تنبیه کردند و بخشی از آرای خود را به سمت جریان‌های رقیب از جمله حزب اصلاحات بریتانیا همچنین حزب سبز سوق دادند.

این تغییر جهت سیاسی صرفاً یک نوسان انتخاباتی نبود بلکه نشانه‌ای از فرسایش عمیق اعتماد عمومی به دولت تلقی شد. مجموعه‌ای از تصمیمات بحث‌برانگیز، از جمله حذف کمک هزینه سوخت زمستانی برای بخش بزرگی از بازنشستگان و تغییر سیاست‌ها درباره مالیات بر ارث دارایی‌های کشاورزی، بخش‌هایی از پایگاه سنتی حزب کارگر را از دولت دور کرد. هم‌زمان رسوایی‌های مرتبط با پذیرش هدایا و امتیازات از سوی برخی حامیان مالی همچنین انتقادات نسبت به انتصابات سیاسی جنجالی، تصویر تکنوکرات و کنترل شده استارمر را تضعیف کرد. از جمله این انتصابات می‌توان به پیتر مندلسون سفیر بریتانیا در واشنگتن اشاره کرد که ارتباطش با جفری اپستین، او را به چهره‌ای بحث‌برانگیز تبدیل و حزب را با شکاف‌هایی روبه‌رو کرد.

استعفای برخی وزرای کلیدی از جمله وس استریتینگ، وزیر بهداشت که دولت را به فقدان چشم‌انداز و رهبری مؤثر متهم

گروه بین‌الملل: وضعیت سیاسی بریتانیا در ماه‌های اخیر بار دیگر وارد مرحله‌ای پرتنش شده و این بار تمرکز اصلی بحران بر نخست‌وزیر این کشور، کی‌یر استارمر قرار گرفته است. به نوشته دیلی میل، استارمر در محافل خصوصی به برخی از نزدیکان خود گفته است که قصد دارد از مقام نخست‌وزیری کناره‌گیری کند و برای خروج تدریجی از خیابان داونینگ یک «برنامه زمانی منظم» تدوین خواهد کرد هرچند هنوز زمان دقیق این تصمیم مشخص نیست. با این حال، متحدان ارشد او توصیه کرده‌اند که اعلام رسمی چنین تصمیمی تا روشن شدن نتایج نظرسنجی‌ها و داده‌های میدانی انتخابات میان‌دوره‌ای پیش از رأی‌گیری ۱۸ ژوئن به تعویق بیفتد. در عین حال، استارمر در مواضع عمومی همچنان چهره‌ای مقاوم و مصمم از خود نشان می‌دهد، امری که تناقض آشکار میان فضای درونی حزب و ظاهر رسمی دولت را برجسته می‌کند.

این وضعیت در چارچوب یک واقعیت بزرگ‌تر قابل درک است: نخست‌وزیری در بریتانیا در سال‌های اخیر به مقامی به‌شدت بی‌ثبات تبدیل شده است؛ به‌گونه‌ای که حتی رهبرانی با پیروزی‌های قاطع انتخاباتی نیز نتوانسته‌اند، جایگاه خود را برای مدت طولانی حفظ کنند. پیروزی قاطع کی‌یر استارمر در انتخابات ۲۰۲۴ و به قدرت رسیدن حزب کارگر اکنون تنها دو سال بعد از پیروزی سایه بحران مشروعیت

آمریکا

بازگشت غول به آسیانه

ناو هواپیمابر جرال د فورده به آمریکا بازگشت



ابوالفضل خدایی

گروه بین‌الملل

بازگشت ناو هواپیمابر «یواس اس جرال د آر. فورده» به پایگاه نورفک در ویرجینیا فقط پایان یک مأموریت دریایی طولانی نبود؛ این بازگشت در واقع نقطه پایانی بر یکی از فرسایشی‌ترین و پرتنش‌ترین عملیات‌های دریایی آمریکا در دهه‌های اخیر محسوب می‌شود. بزرگ‌ترین ناو هواپیمابر جهان پس از ۳۲۶ روز حضور مداوم در دریا، صبح شنبه ۲۶ اردیبهشت در حالی به خانه بازگشت که پشت سر خود مجموعه‌ای از عملیات‌های کم‌سابقه، درگیری‌های مستقیم نظامی با ایران، مأموریت‌های ویژه در دریای کارائیب همچنین رکوردی تاریخی برای نیروی

دریایی ایالات متحده بر جای گذاشت؛ رکوردی که از زمان جنگ ویتنام تاکنون برای هیچ ناو هواپیمابر آمریکایی ثبت نشده بود.

ناو «جرالد فورده» زمانی بندر ویرجینیا را ترک کرد که قرار بود یک استقرار نسبتاً متعارف را پشت سر بگذارد؛ مأموریتی که مطابق الگوی سنتی نیروی دریایی آمریکا باید حدود ۶ تا ۷ ماه طول می‌کشید. اما تحولات ژئوپلیتیکی، تشدید بحران‌های منطقه‌ای و ورود واشنگتن به چند جبهه هم‌زمان، این مأموریت را به حضوری تقریباً یک‌ساله در دریا تبدیل کرد؛ حضوری که نه تنها نامو بلکه ساختار فنی پیشرفته‌ترین ناو هواپیمابر

جهان را نیز تحت فشار بی‌سابقه قرار داد.

این ناو ابتدا راهی دریای مدیترانه شد اما تنها چند ماه بعد مسیر خود را به سمت دریای کارائیب تغییر داد؛ جایی که آمریکا بزرگ‌ترین آرایش دریایی چند دهه اخیر خود را برای فشار بر دولت ونزوئلا سازماندهی کرده بود. «جرالد فورده» در عملیات بازداشت نیکلاس مادورو نیز مشارکت داشت سپس با بالا گرفتن تنش‌ها میان واشنگتن و تهران، مأموریت دیگری به آن واگذار شد؛ مأموریتی که ناو را از مدیترانه، از طریق کانال سوئز، به دریای سرخ و قلب بحران خاورمیانه رساند.

در جریان جنگ با ایران، «فورده» به یکی از اصلی‌ترین مراکز فرماندهی عملیات‌های آمریکا تبدیل شد. طبق بیانیه وزارت

فرسایش تجهیزات تا حدی جدی شد که مقام‌های نیروی دریایی آمریکا هشدار دادند هر ماه تمدید اضافه مأموریت حدود ۶ درصد به حجم تعمیرات مورد نیاز ناو می‌افزاید. این مسأله برای ناوی که ساخت آن بیش از ۱۳ میلیارد دلار هزینه داشته، تنها یک مشکل فنی ساده نیست بلکه به معنای تهدید آمادگی عملیاتی مهم‌ترین دارایی دریایی آمریکاست. اکنون «جرالد فورده» باید وارد یک دوره طولانی تعمیرات تخصصی شود؛ تعمیراتی که فقط در تأسیسات ویژه داخل آمریکا قابل انجام است.

در کنار مشکلات فنی، بحران انسانی نیز به یکی از عوامل اصلی پایان مأموریت تبدیل شد. حدود پنج هزار ملوان و افسر حاضر در این ناو نزدیک به یک سال در شرایط عملیاتی مداوم زندگی کردند؛ شرایطی که به تدریج کیفیت زندگی روی ناو را به‌شدت تحت تأثیر قرار داد. خرابی سامانه‌های فاضلاب، مشکلات خدماتی، فشار روانی ناشی از تمدیدهای مکرر مأموریت و نبود چشم‌انداز روشن برای بازگشت، ناراضی فزاینده‌ای در میان خدمه ایجاد کرده بود. حتی برخی گزارش‌ها حاکی از نگرانی جدی فرماندهان آمریکایی درباره تأثیر این وضعیت بر روند جذب و حفظ نیروهای متخصص نیروی دریایی بود.

در واقع، بازگشت «جرالد فورده» بیش از آنکه یک تصمیم صرفاً نظامی باشد، نتیجه تلاقی چند بحران هم‌زمان بود؛ بحران فرسایش تجهیزات، خستگی نیروی انسانی و تغییر محاسبات راهبردی واشنگتن در خاورمیانه. آمریکا این ناو را در اوج تنش‌ها برای نمایش حداکثری قدرت و ایجاد بازدارندگی به منطقه فرستاده بود اما اکنون شرایط منطقه‌ای تا حدی تغییر کرده است. مذاکرات شکننده آتش‌بس، کاهش نسبی سطح درگیری مستقیم همچنین تلاش واشنگتن برای دور شدن از الگوی استقرارهای ثابت و پرهزینه باعث شده، پنتاگون به سمت نوعی «انعطاف‌پذیری راهبردی» حرکت کند؛ دکترین جدیدی که بر جابه‌جایی سریع نیروها و پرهیز از فرسایش بلندمدت ناوگان تأکید دارد.

به همین دلیل، خروج بزرگ‌ترین ناو جنگی جهان از خاورمیانه را نمی‌توان نشانه عقب‌نشینی آمریکا دانست. واشنگتن همچنان حضور گسترده نظامی خود را در منطقه حفظ کرده اما بازگشت «جرالد فورده» نشان داد حتی قدرتمندترین نیروی دریایی جهان نیز در برابر جنگ‌های فرسایشی و استقرارهای طولانی‌مدت با محدودیت‌های جدی روبه‌روست. این بازگشت در حقیقت نوعی بازتعمیر اجباری برای حفظ توان رزمی آینده ناوگان آمریکا بود؛ اقدامی که هم پیام خستگی را در خود دارد و هم نشانه‌ای از تلاش برای بازسازی قدرت پیش از ورود به بحران‌های بعدی جهان است.

نیروی دریایی آمریکا، هواگردهای مستقر روی این ناو بیش از ۱۷۰۰ پرواز رزمی انجام دادند و ناوگروه همراه آن ۱۲۵ شناور ایرانی را هدف قرار داد. همچنین بیش از ۲۰۰ موشک کروز تاماهاوک از این گروه رزمی به سمت اهدافی در داخل ایران شلیک شد؛ آماري که نشان می‌دهد «جرالد فورده» صرفاً یک ابزار بازدارندگی نبود بلکه مستقیماً در قلب عملیات‌های تهاجمی آمریکا قرار داشت.

همین نقش گسترده رزمی باعث شد، سرپرست وزارت نیروی دریایی آمریکا به خدمه این ناو و نیروهای گروه رزمی دوازده، نشان «استاد واحد ریاست جمهوری» اعطا کند؛ یکی از مهم‌ترین نشان‌های افتخار نظامی برای یگان‌های عملیاتی آمریکا. بیت‌هگست، وزیر جنگ ایالات متحده، هنگام استقبال از خدمه ناو در نورفک، این مأموریت را «تاریخ‌ساز» توصیف



کرد و گفت آنها نه فقط یک عملیات بلکه فصلی مهم از تاریخ نیروی دریایی آمریکا را رقم زده‌اند. اما پشت این نمایش قدرت، واقعیتی فرساینده قرار داشت؛ واقعیتی که به تدریج فرماندهان آمریکایی را به این جمع‌بندی رساند که ادامه حضور «جرالد فورده» در منطقه، می‌تواند به بهای از دست رفتن آمادگی رزمی بلندمدت نیروی دریایی تمام شود. استقرار طولانی‌مدت این ناو فشار شدیدی بر سامانه‌های فنی آن وارد کرد. گزارش‌ها از بروز خرابی‌های مکرر در بخش‌های مختلف ناو حکایت داشت؛ از اختلال در سامانه‌های خدماتی گرفته تا وقوع آتش‌سوزی در بخش رختشویی خانه که ناو را مجبور کرد برای انجام تعمیرات اضطراری موقت در یونان توقف کند.

خاورمیانه

داستان حضور اسرائیل در عراق

یک پایگاه دیگر هم کشف شد

در پی افشای روزنامه وال‌استریت ژورنال درباره وجود یک پایگاه نظامی مخفی اسرائیل در غرب عراق روزنامه نیویورک‌تایمز نوشته در سوم مارس یک وانتبار متعلق به یک چوپان عشایر به نام «عوض الشمری» ۲۹ ساله که از شهر النخیب به سمت اردوگاه عشایری بدوین در بیابان غرب عراق در حرکت بود، گلوبهاران و متوقف شد. سه شاهد از این اردوگاه اعلام کردند که یک بالگرد این وانتبار را تعقیب و بارها به سمت آن شلیک کرده است؛ حادثه‌ای که در نهایت منجر به کشف دو پایگاه نظامی اسرائیلی در خاک عراق شد.

روزنامه نیویورک‌تایمز در گزارشی از وجود یک پایگاه نظامی دیگر تحت استفاده اسرائیل در این منطقه برده برداشته و نوشت: در فاصله زمانی میان شروع سفر مرکبار و پایان وحشتناک آن عوض الشمری با فرماندهی نظامی منطقه‌ای عراق تماس گرفته بود تا وجود سربازان، هلیکوپترها و چادرهایی که در اطراف یک باند فرود جمع شده بودند را گزارش دهد. به گفته مقامات ارشد عراقی منطقه‌ای، اسرائیل از آن پایگاه برای پشتیبانی از عملیات نظامی خود علیه ایران استفاده می‌کرد.

مقامات عراقی به نیویورک‌تایمز گفتند که یک پایگاه افشانشده دیگر نیز در بیابان غرب عراق وجود دارد. مقامات امنیتی منطقه‌ای گفتند، پایگاهی که چوپان ۲۹ ساله با آن مواجه شد پیش از جنگ آمریکا و اسرائیل علیه ایران وجود داشته و طی جنگ ۱۲ روزه علیه تهران در ژوئن ۲۰۲۵ نیز مورد استفاده قرار گرفته است.

دو مقام امنیتی عراق نیز گفتند هم در جنگ ۱۲ روزه و هم در جنگ اخیر واشنگتن عراق را مجبور کرد، رادارهای خود را برای محافظت از هواپیماهای آمریکایی خاموش کند و در نتیجه بغداد برای شناسایی فعالیت‌های خصمانه بیشتر به نیروهای آمریکایی متکی شود.

به ادعای نیویورک‌تایمز، این پایگاه برای کوتاه‌کردن مسافتی ساخته شد که هواپیماهای اسرائیل باید برای رسیدن به ایران طی می‌کردند. هدف از آن فقط حضور موقت برای کمک به عملیات‌های نظامی بود.



مقالات شفيعی درباره فردوسی

حضور محمدرضا شفيعی کدکنی
در دایرةالمعارف بزرگ اسلامی



دکتر محمدرضا شفيعی کدکنی صبح شنبه، ۲۶ اردیبهشت در مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی حضور یافت و با کاظم موسوی بجنوردی، رئیس این مرکز دیدار و گفت‌وگو کرد. در این جلسه موسوی بجنوردی درباره روند پیشرفت دانش‌نامه‌هایی که در مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی در حال تهیه و تدوین است، توضیحاتی داد و گفت: «بیش از یک دهه است ریالی از دولت بودجه نگرفته‌ام اما با تمام مصائب و مسائل کوشیده‌ام و چراغ این مؤسسه را روشن نگاه داشته‌ام.» شفيعی کدکنی نیز با تمجید از عملکرد این مرکز گفت: «دایرةالمعارف بزرگ اسلامی کار بسیار عظیمی است که اگر بخواهم درباره آن صحبت کنم، خود کتابی می‌شود؛ کار شما واقعاً برای ایران ارزشمند است.»

او در ادامه به بیش از ۵۰ سال سابقه رفاقت خود با احمد مسجدجامعی اشاره کرد و احمد مسجدجامعی، قائم‌مقام مرکز پس از این توصیف با ذکر خاطرات گفت: «در دوره‌ای که در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران درس می‌خواندم، در سال ۱۳۵۶ نشریه دانشجویی با نام «فلق» منتشر می‌کردیم، و استاد برای ما مقاله‌ای با عنوان «ادبیات و اجتماع» نوشت که ترجمه‌ای از فصل نهم کتاب «نظریه ادبیات» اثر رنه وِلک و اوستن اورن بود. این نشریه در گنجینه‌های هدایی دکتر شفيعی کدکنی به مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی نیست و من آن را به مجموعه ایشان اهدا می‌کنم.»

تدوین و آماده‌سازی مقالات شفيعی درباره فردوسی

سپس مسعود جعفری‌جزی، عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی با اشاره به روز پاس‌داشت زبان فارسی و بزرگداشت حکیم ابوالقاسم فردوسی، خبر داد که مقالات و یادداشت‌های استاد شفيعی کدکنی درباره فردوسی و شاهنامه با حجم تقریبی ۳۰۰ صفحه در دست تدوین و آماده‌سازی برای انتشار است. در پایان مسجدجامعی خاطره‌ای به مناسبت این روز بیان کرد: «در نخستین سالی که روز فردوسی در تقویم ملی گنجانیده شد، مراسمی در تالار وحدت با حضور زندیاد حسن حبیبی، رئیس وقت فرهنگستان زبان و ادب فارسی و بنیان‌گذار بنیاد ایران‌شناسی برگزار شد. در این مراسم نسخه‌ای از تصاویر شاهنامه که در گذشته از طریق چاپ سنگی در شبه‌قاره به چاپ رسیده بود، رونمایی شد. هم‌چنین تعدادی محدود و بسیار نفیس از آن منتشر و به برخی از موزه‌های دنیا فرستاده شد. نیز علی‌رضا قربانی برای نخستین‌بار با ارکستر شعاری از شاهنامه را خواند که آغازش چنین بود: «که ایران چو باغی‌ست خرم‌بهار / شکفته همیشه گل کامکار.»

شفيعی کدکنی در این برنامه که همسر ایشان، همایون حاجی‌خانی، مسعود جعفری‌جزی و محمدرضا شفيعی همراهی‌اش می‌کردند، از مجموعه‌های هدایی خود به کتابخانه مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی دیدن کرد. او ضمن توریق پایان‌نامه دکترایش که به راهنمایی پرویز نائل خانلری، با عنوان «صور خیال در شعر فارسی از آغاز تا پایان قرن پنجم» از آن دفاع کرده بود، گفت: «دیدن دوباره این یادداشت‌ها و کتاب‌ها برای من خیلی نشاط‌آور بود و خاطرات را یادآوری کرد.»

این گنجینه نفیس و وزین در اردیبهشت ۱۳۹۰ اهدا شد و تاکنون ۱۱ هزار و ۱۹۲ جلد کتاب و نشریه، همراه یادداشت‌های شخصی و اسناد و مدارک او محفوظ، و در قالب یک مجلد در کتابخانه مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی ثبت و فهرست شده است.



روحانی متفاوت

انتشارات راتلج زندگی‌نامه محمد مجتهد شبستری به زبان انگلیسی را منتشر کرد

برای فهم چشم‌انداز پیچیده‌گفتمان فکری و مذهبی در ایران (و فراتر) اهمیت دارد.»

کتاب «زندگی‌نامه فکری محمد مجتهد شبستری / an intellectual biography of Mohammad mojtahed shabestari» به زبان انگلیسی، توسط انتشارات راتلج در سال ۲۰۲۵ منتشر شده است. این کتاب در ۲۹۶ صفحه و نوشته‌کنایون امیرپور است. به گزارش ایننا، امیرپور استاد برجسته اسلام‌شناسی در دانشگاه کلن است. کتاب حاضر تحت مجموعه مطالعات ایرانی (Iranian studies) انتشار یافته که توسط همایون کاتوزیان و محمد توکل‌پوری هدایت و تدوین می‌شود. این کتاب مروری مفصل بر زندگی و تکوین افکار محمد مجتهدشبستری است و سیر تحول او را از کودکی تاکنون دنبال می‌کند. کتاب شامل ۱۰ فصل است که عبارتند از: ۱. کودکی و اوایل جوانی، ۲. آموزگاران، ایده‌ها، و تأثیرپذیری‌ها در قم، ۳. در غرب، ۴. بازگشت، انقلاب، کناره‌گیری، ۵. تبعید درونی، ۶. یک روشن‌فکر حوزه عمومی، ۷. اعلام‌شده به‌عنوان بدعت‌گذار، ۸. مسکوت در ایران، اما شنیده‌شده در آلمان، ۹. من متهم می‌کنم، ۱۰. یک پایان مقدماتی.

چشم‌اندازی حیاتی

مطالعه این کتاب برای تمامی کسانی که به اندیشه و زندگی مجتهدشبستری علاقه‌مند هستند، مفید است. محسن کدیور درباره آن نوشته: «کتاب کنایون امیرپور درباره محمد مجتهدشبستری، چشم‌اندازی حیاتی درباره این چهره تأثیرگذار در بافتار اصلاح‌طلبی اسلامی در ایران پس‌انقلابی فراهم می‌کند. تحلیل امیرپور، جای خالی معناداری را که در فهم تکامل اندیشه روشن‌فکری در ایران وجود دارد پر می‌کند، به‌خصوص با تمرکز بر سهم مجتهد شبستری به‌عنوان متفکر اخلاقی. این گونه از مطالعه

گزارش: موسیقی ایران

اکستریم‌یسم خشن

درباره حمله شاهین نجفی به محسن چاووشی

حمله تند شاهین نجفی به محسن چاووشی و متعاقب آن، حمله قیصر به شاهین نجفی در حمایت از محسن چاووشی. این تیتراهای پرتکرار و پرچست‌وجوی یکی، دو روز اخیر بوده است. این اسامی البته که توسط مخاطبان بازدید بالایی را جذب می‌کنند، به‌خصوص آنکه تیتراهای زرد افراطی دارند.



امید ذاکرنی

گروه فرهنگ

حمله به چاووشی

ماجرا این است که شاهین نجفی، در گفت‌وگویی تلویزیونی که همراه ابی معرفی کار تازمان به ایران اینترنشنال آمده بودند، درباره محسن چاووشی صحبت کرد: «ما می‌دانیم که محسن چاووشی در خطاست. از هنرمند انتظار نمی‌رود که وارد معادلات سیاسی شود. دعوی ما با چاووشی نیست و شاید او را گروگان گرفته باشند». حرف‌هایی که با سرعت نور در فضای رسانه‌ای منتشر شده و البته پاسخ تند هواداران چاووشی را نیز به همراه داشت. قیصر، خواننده پاپی که طی ماه‌های اخیر به‌واسطه اظهاراتش در ارتباط با حمله آمریکا و اسرائیل به ایران و کشته شدن غیرنظامیانی چون حدود ۱۶۰ کودک مدرسه شجره طیبه میناب، نامش حتی بیش از گذشته مطرح شده نیز خیلی‌زود به سخنان شاهین نجفی پاسخ داده و این خواننده و ابی را به سکوت نسبت به فجایعی چون مدرسه میناب متهم کرد.

رادیکالیسم افراطی

آنچه شاید بیش از همه اهمیت داشته باشد، واقعیتی است که نشان از رادیکالیزه شدن افراطی فضا دارد. اکنون و به‌خصوص پس از جنگ، برخوردها به شکلی شدید شکل افراطی به‌خود گرفته و موضوع شاید خطرناک‌تر، این است که رادیکال‌ها حالا در مرحله اکستریم‌یسم خشن قرار دارند. شاهین نجفی که تا زگی ترانه‌ای را همراه ابی منتشر کرده است، پیش از آنکه یک خواننده یا موزیسین باشد، یک آدم رادیکال است. کافی است که در گوگل کلمه «حمله شاهین نجفی به...» را سرچ کنید تا متوجه شوید که طی چند سال اخیر، او در مسیری به سوی افراطی‌گرایی خشن با شتاب بالا قرار دارد. یکی از حملات! او طی ماه‌های گذشته به داریوش اقبالی بوده است. داریوش در یکی از کنسرت‌هایش در روزهایی که برخی از گروه‌های اپوزیسیون خارج از کشور به‌شدت از جنگ حمایت کرده و خواهان حمله آمریکا به ایران بودند، جمله‌ای گفت که خیلی‌زود در فضای رسانه‌ای و

برآمدن مدرنیزاسیون همراه است، و ج) نظریه‌ای درباره خصوصی شدن دین که مقدمه‌ای برای سیاست سکولار، مدرن و دموکراتیک است.

نومنتزلیان مدافع سکولاریسم تعدیل‌شده

با قائل شدن به این تفکیک می‌توان ادعا کرد که یک جامعه از برخی لحاظ‌ها ممکن است سکولار شود اما از لحاظی دیگر نه. امیرپور به برخی نظرسنجی‌هایی اشاره می‌کند (ازجمله نظرسنجی موسسه گالوپ و موسسه گمان) که بر تحقق برخی وجوه سکولاریزاسیون در ایران اشاره می‌کنند. در ایران مدت‌هاست که مطالبه‌ای برای سکولاریزاسیون وجود دارد؛ و در پاسخ به این مطالبه است که اندیشمندان به تألیف و نظریه‌پردازی مشغولند. بنابراین مؤلف، مجتهد شبستری را با مطالبه عظیم سکولاریزاسیون در ایران مرتبط می‌بیند. شبستری در ۱۹۳۶ میلادی به دنیا آمده و در مراتب روحانیت شیعه در سطح حجت‌الاسلام است. او بعد از تحصیل مذهبی در قم، در دهه ۱۹۷۰ میلادی راهی آلمان شده، جایی که با فلسفه هرمنوتیکی و الهیات مسیحی آشنا شده است. بنا بر سنت هرمنوتیکی، شبستری هر فرد مؤمن را به‌عنوان مفسر معتبر وحی می‌نگرد. او به فردیت و سوژکتیویته مدرن به عنوان فضایی برای دین‌داری شخصی می‌نگرد. شبستری در افکار خود به این پرسش‌ها می‌پردازد: هدف الهیات مدرن چه باید باشد؟ چه شکلی از حکومت مناسب دولت اسلامی است؟ آیا این حکومت می‌تواند دموکراسی و حقوق انسانی را برآورده کند؟ در نگاه امیرپور، شبستری نمونه‌ای کمیاب از روحانیان ایرانی است که سکولاریزاسیون را دشمن دین تلقی نمی‌کند و در عین حال خواهان نجات ایمان است. او تقاضای گسترده

مجازی و ایرال شد: «در کوله‌پشتی مهمات هیچ سرباز خارجی، آزادی وجود ندارد». این حرف اما در کنار واکنش‌های مثبتی که از سوی مخالفان جنگ گرفت، با حملات شدید و جدی از سوی اپوزیسیون‌های افراطی مواجه شد. شاهین نجفی یکی از افراطی‌هایی بود که به داریوش حمله کرد: «کسانی که می‌گویند اسرائیل فلان است و جنگ‌طلبی بد است! حرف‌های پانقلابی نزنید. این حرف‌های احساسی که صلح خوب است و جنگ بد است را بگذارید کنار. چه کسی گفته است صلح خوب است یا جنگ بد است؟ همه چیز در موقعیت مشخص می‌شود. این نمی‌شود که من بروم بالا، میکروفن را بردارم و خرعبل بگویم که صلح خوب است، جنگ بد است...»



گزارش: سینمای جهان

رقص بر ویرانه‌های عاطفه

نگاهی بر فیلم **بلندی‌های بادگیر** ساخته امرالد فنل

عدنان شاه‌طایی

منتقد

نام بلندی‌های منطقه یورکشایر را همیشه وقتی که با خواندن یک نقد، مطلب و یا دیدن یک مستند و فیلم، می‌بینیم و می‌شنویم، صدای زوزه آن باده‌چنان در گوش می‌پیچد که انگار حامل روح سرگردان سده‌های گذشته است.

امرالد فنل، در نسخه جدید خود از رمان مشهور «بلندی‌های بادگیر»، پیش از آنکه به سراغ روایت برود، به سراغ اقلیم رفته است. دورین او چنان با ولع، صخره‌های گرانی و علفزارهای وحشی شمال انگلستان را در آغوش می‌گیرد که بیننده در همان دقیق نخست، سرمای مرطوب محیط را روی پوستش احساس می‌کند. اما پرسش اصلی اینجاست: آیا این کالبد باشکوه، روحی هم در سینه دارد؟

سینمای امرالد فنل، همیشه بانوی «افراط بصری آگاهانه» گره خورده است. او در این اثر، سخت‌افزار سینما را به رخ می‌کشد. طراحی لباس‌های دوره ویکتوریا در این فیلم، از یک بازسازی تاریخی فراتر می‌رود؛ هر لایه پارچه، هر دکمه و هر تور به کار رفته در جامه‌های «کاترین ارنشاو» گویای طبقه‌ای است که دیواری بلند میان او و «هیت کلیف» می‌کشد. این جامه، گویا قسمی از ابریشم و کتان هستند که مانع از دیدن بی‌امان او به سمت سرنوش و واقعی‌اش می‌شوند. توفان‌ها در این نسخه از «بلندی‌های بادگیر» یک پدیده جوی محسوب نمی‌شوند؛ آنها با استفاده از تکنولوژی‌های نوین فیلمبرداری، به هیولاهایی بدل شده‌اند که قصد دارند، لرزه بر اندام عمارت «وودرینگ هایتس» بیندازند. وقتی از لایه‌های درخشان ابزار و تکنیک عبور می‌کنیم و به هسته رفاقت و رقابت کاترین و هیت کلیف می‌رسیم، ناگهان آن جادوی بصری با نوعی «خلأ حسی» روبه‌رو می‌شود. انتخاب بازیگران اصلی شاید برای گیشه جذاب به نظر برسد، اما در عمل تناسب لازم با آن عاطفه وحشی و بدوی رمان امیلی بروته را ندارد.

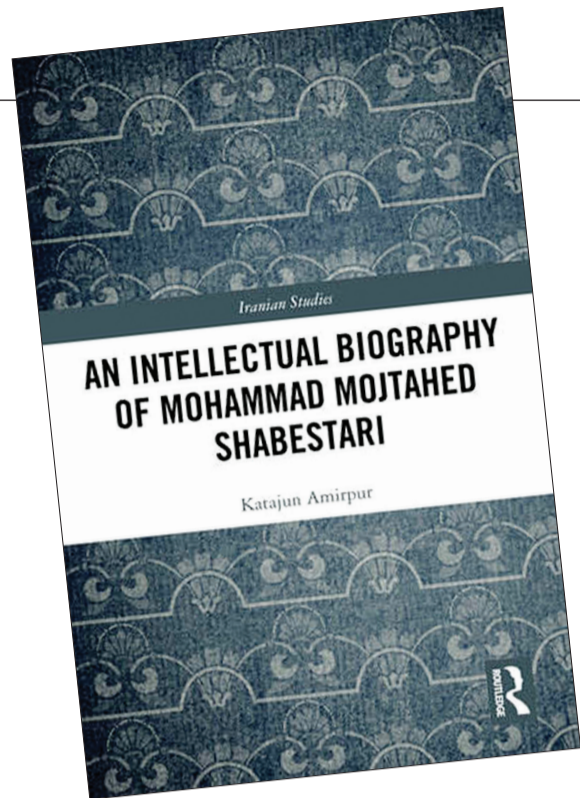
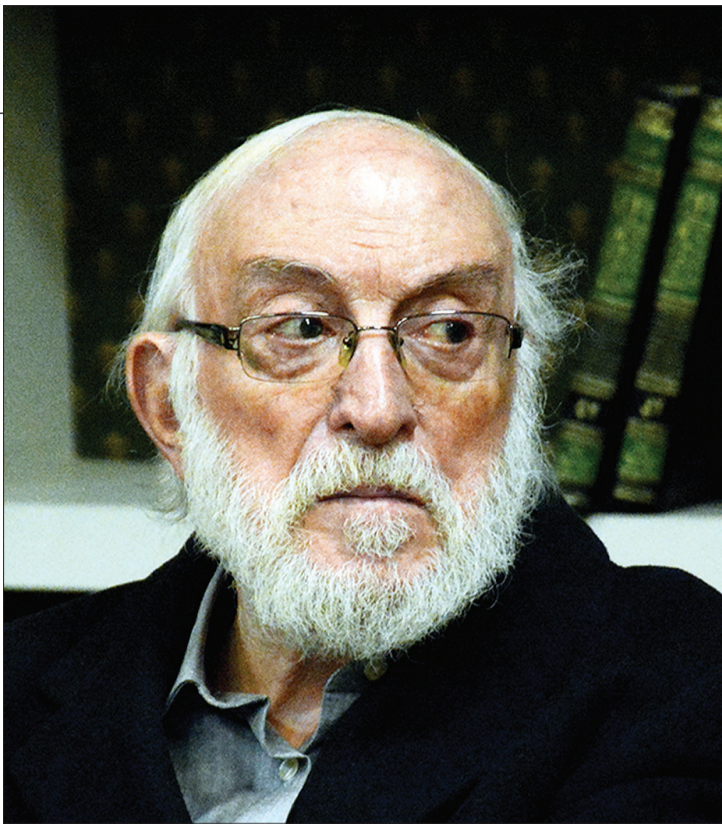
شخصیت هیت کلیف در اینجا آن انتقام‌جوی سرگردان تیره‌بخت داستان نیست، او فاقد آن آتارشی درونی است که باید لرزه بر تن خاندان لینتون بیندازد.

اینجاست که سایه سنگین شاهکار ویلیام ایلر ۱۹۳۹ بر این فیلم سنگینی می‌کند. در آن چشمان نافذ و خشم فروخورده، هیت کلیف را به نمادی از عشق ویرانگر بدل کرد. «لارنس اولیویه» نیازی به جلوه‌های ویژه توفان نداشت. توفان در نگاهش بود، بازی او چنان با ریشه‌های خاکی نمناک یورکشایر پیوند خورده بود، مخاطب باور می‌کرد، از دل همین سنگ‌ها و صخره‌ها برآمده است. در نسخه ۲۰۲۶ ما با یک زیبایی استرلیزه روبه‌رو هستیم که با ماهیت چرک و خشن رابطه این دو دل‌داده، همخوانی ندارد. فنل ترجیح داده است به جای تمرکز بر آن جنون عریان، بر شیک‌بودن قاب‌ها تمرکز کند. او ترجیح داده فراموش کند که «هیت کلیف» یک «طردشده» است، و نه یک قهرمان اتوکشیده در ملودرام سر زرق‌وبرق. می‌دانیم که در طول دوره‌های متفاوت فیلم‌سازی، ورژن‌های مختلفی از این رمان ساخته شده است؛ از نگاه سرد و کمین‌گرای آندره آرنولد که بر جنبه‌های تراژدی و خوی حیوانی هیت کلیف تأکید داشت، تا اقتباس‌هایی (بی‌بی‌سی) که بیشتر به متن رمان وفادار بودند. اما فنل در اینجا بیشتر به دنبال خلق یک «تجربه آتسفریک» بوده است. او مناسبات خانوادگی را در لفافه‌ای از فیلم‌برداری فوق‌العاده زیبا می‌پیچد، اما از یاد می‌برد که ذات عاطفه در این داستان، بر پایه یک «تضاد طبقاتی خونین» بنا شده است. «کاترین ارنشاو» در این فیلم، بیش از آنکه میان هر دو عشق مرد باشد، میان دو سبک زندگی بصری معلق است.

مناسبات میان «ارنشاو» و «لینتون‌ها»، که در لایه‌های پنهان رمان، نمادی از تقابل طبیعت و تمدن است، اینجا تنها به دیالوگ‌های سرد و نگاه‌های بی‌رمق، تقلیل یافته است. عشق در «بلندی‌های بادگیر»، یک تفاهم ساده نیست؛ یک بالای آسمانی است، زنجی است که از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود.

در نسخه جدید، این رنج در زیر شکوه بصری لباس‌ها و دکورهای مجلل، دفن شده است. شاید اگر امرالد فنل در نمایش «اشرافیت» موفق است، اما در نمایش یک «احتضار یک روح» باز می‌ماند. عاطفه در دنیای «امیلی بروته» بوی خاک نمناک و خون می‌دهد، در این فیلم اما با لباس‌های فاخر عطر آگین نمایش داده می‌شود. این تفاوت دقیقاً همان نقطه‌ای است که اثر را از تبدیل شدن به یک فیلم ماندگار بازمی‌دارد. ما با فیلمی روبه‌رو هستیم که تمام قواعد «زیبایی‌شناسی مدرن» را رعایت می‌کند، اما در بازتعریف «جنون کلاسیک» لکت دارد.

«بلندی‌های بادگیر» امرالد فنل یک تلاش، و یک دستاورد بزرگ در حوزه تکنیک سینماست. درس فیلمبرداری دارد، و طراحی‌ها تراز اول محسوب می‌شوند. این اثر شبیه یک گل مصنوعی بسیار زیباست؛ بی‌نقص و خیره‌کننده. سازنده این فیلم نشان داده که تفاوت نزدیکی میان «شکوه» و «تضع» وجود دارد، و او در این سفر پرهزینه به قلب یورکشایر، بارها میان این دو تفاوت لغزیده است. زیرا فضایی ساخته که برای چشم‌ها جشنی بزرگ است اما برای قلب‌ها، ضایعی بی‌اتفاق.



تشکیل شده‌اند، حضور داشته است. او در سال‌های اخیر به آلمان رفت و آمد داشته و توجه پژوهش‌گران آلمانی را جلب کرده است. اما در ایران است که محدودیت‌های مختلفی برای او ایجاد می‌شود؛ به‌عنوان نمونه در اکتبر ۲۰۱۶ از سخنرانی او در دانشگاه امریکبیر جلوگیری شد. در پی این اتفاق، شبستری بیانیه‌ای نوشت با عنوان «بار دیگر می‌گویم: اسلام کلیسا ندارد» و مراجع بلندپایه شیعه را به بحث و گفت‌وگو دعوت کرد، دعوتی که پاسخ درخور از جانب مراجع نیافت اما جالب این‌جاست که تعدادی روحانیون جوان و کم‌سابقه‌تر خود را برای گفت‌وگو آماده اعلام کردند. ایمن قبیل برخوردارها نشان می‌دهد که در شرایط فعلی، از روشنفکران و اندیشمندان استقبال نشده بلکه تنها به زحمت تحمل می‌شوند. انتشار «زندگی‌نامه فکری محمد مجتهد شبستری» را باید یک اتفاق مثبت دید. ایمن کتاب، فضای پیچیده فکری و فرهنگی ایران را برای مخاطبان بین‌المللی شفاف‌تر می‌سازد و به ایرانیان هم فرصت می‌دهد با جایگاه و بازخورد جهانی اندیشمندان خود بیشتر آشنا شوند.

عنوان کلام پیامبر» قائل بودند. با این همه، شبستری خود اصطلاح نواندیش را ترجیح می‌دهد. به‌طور کلی اهمیت و نفوذ شبستری را باید تحت نفوذ کلی روشن‌فکران در حیات سیاسی و فرهنگی ایران دید. مؤلف به این معترف است که روشن‌فکران تأثیر زیادی در فضای فکری ایران دارند؛ از انقلاب مشروطه و انقلاب ۱۳۵۷ تا سال‌های اخیر، روشن‌فکران در جهت دادن به اندیشه‌ها و مطالبات عمومی مؤثر بوده‌اند. مؤلف اشاره می‌کند که نقش روشن‌فکران دینی در دهه‌های ۱۳۷۰ و ۱۳۸۰ به شکل ملموسی افزایش یافته و این نقش‌آفرینی با مشاهده کتب منتشرشده آنان قابل ردیابی است.

محدودیت در ایران، اقبال در آلمان

کتابیون امیرپور به این نکته اشاره می‌کند که مجتهد شبستری در ایران با محدودیت‌های بسیاری روبه‌رو بوده اما در آلمان به خوبی از او استقبال شده است. شبستری در شناساندن الهیات معاصر اسلامی در آلمان نقش داشته و در جلسات و گروه‌هایی که در این حوزه برگزار و

برای سکولاریسم را در ایران شناسایی کرده و بدان پاسخ می‌گوید. شبستری، تقاضای دموکراسی و حقوق بشر را به رسمیت شناخته و آن را مطالبه‌ای اساسی برمی‌شمرد. به‌زعم شبستری، دین می‌تواند در محقق ساختن یک جامعه مدنی جهانی مفید و نقش‌آفرین باشد؛ ادیان حاملان آن ارزش‌های مشترک جهانی هستند که امروزه به نحو وسیعی مطالبه و پذیرفته شده‌اند. شبستری توسط برخی محققان به عنوان پیرو اسلام‌گرا خطاب شده، اصطلاحی که در سال ۱۹۹۶ توسط آصف بیات معرفی شد و به وضعیت ایران اشاره داشت. محققان اشاره کرده‌اند که سه فرد یا جریان در ایران به طور مشخص پیرو اسلام‌گرا هستند: مجتهد شبستری، نوش‌ریختی‌گرایان، و میرحسین موسوی و طرفدارانش. این سه فرد یا جریان بر لزوم اصلاح نهادهای سیاسی و ارائه خوانشی غیرسننتی از دین تأکید دارند. همچنین، مجتهد شبستری در کنار عبدالکریم سروش و حسن اشکوری، به‌عنوان نومعتزلی شناسایی شده؛ اصطلاحی که به معتزلیان برمی‌گردد یعنی کسانی که به دو اصل «ارجاع به عقل» و «تفسیر قرآن به

حمله به تفکر دیگر

البته که محسن چاووشی تنها کسی از اهالی موسیقی و هنر نبوده است که از طرف اکستریم‌های مورد حمله قرار می‌گیرد. علی‌قصری، نوازنده تار در زمانی که دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا در دوران جنگ اعلام کرد که قصد دارد با حمله به زیرساخت‌ها، تمدن ایران را نابود کند، به نیروگاه برق دماوند رفت و آنجا به اجرای موسیقی پرداخت. در واقع او با ساز و هنرش سعی کرد که در برابر این فاجعه بایستد و مانع آن شود. شاید نه به تهایلی اما حرکت قصری و دیگر اتفاقاتی که در آن زمان رخ داد، در اینکه زیرساخت‌های مهم مورد تهاجم قرار نگیرند، نقش داشتند.

قصری و دیگران نیز به‌شدت توسط افراط‌گرایان پوزیسون مورد هجوم قرار گرفتند و هنرمندان وابسته به حکومت خوانده شدند. درباره چاووشی نیز حملات و انتقادهایی که طی سال‌های اخیر نسبت به او وجود داشت، بعد از انتشار چند ترانه در دوران جنگ، شدت گرفت. هرچند چاووشی به‌جز استوری‌هایی که درباره کودکان میناب گذاشت، پاسخ رسمی به این حملات نداد اما واقعیت این است که فضای رادیکالیزه شده اکنون، اغلب مخاطبان چنین اخباری را، مجبور به انتخاب یک دوره‌ای کرده است. دوره‌ای یا ما یا علیه ما! موضوعی که می‌تواند هنرمندان را از فضای خلق تولید آثار خلاقانه و هنری، به سمت آثاری برگرفته از احساسات سطحی و انتقام‌جوانه ببرد. آخرین محصولی که شاهین نجفی و ابی منتشر کرده‌اند، حتی در میان آثار ضعیف خود آنها

جایی نخواهد داشت. دلایل هم این است که این کار یک محصول ایدئولوژیک و با هدف صرف سیاسی ساخته شده و این در حالی است که یک اثر هنری واقعی و ماندگار، اثری فراتر از سیاست و ایدئولوژی‌های گذراست. فردریش انگلس، متفکر و فیلسوف قرن نوزدهم در نقدهای بر کتاب «کهنه و نو» مینا کاتوتسکی به او می‌نویسد: «من به هیچ‌وجه مخالف ادبیات جانبدارانه نیستم. هم آیسخولوس، پدر تراژدی، و هم آریستوفانس، پدر کمدی، شاعرانی بس جانبدار بودند، و داتته و سروانتس نیز کمتر از آنان جانبدار نبودند، و بهترین چیزی که درباره دسیسه و عشق شیر می‌توان گفت، آن است که این اثر نخستین درام سیاسی آلمانی است. روس‌ها و نروژی‌های مدرن، که رمان‌هایی عالی می‌آفرینند، همه جانبدارانه می‌نویسند. اما من فکر می‌کنم که این جانبداری نباید آشکارا و به‌صراحت بیان شود، بلکه خود موقعیت و عمل شخصیت‌ها باید آن را نشان دهند، و نویسنده نباید راه‌حل تاریخی آینده تضادهای اجتماعی را، که او در رمانش به تصویر می‌کشد، حاضر و آماده کند و جلو خواننده بگذارد». اتفاقی که نه فقط در آثاری که پوزیسون افراط‌گرا دست به تولید آن زده که در بسیاری از آثاری که امروز یا از گذشته در ایران تولید شده و می‌شوند، سایه انداخته و آنها را از یک کالای فرهنگی ماندگار به یک کار سفارشی فاقد زیبایی و تأثیرگذاری تبدیل می‌کند. شاید آنچه باعث می‌شود که اثری که محسن چاووشی تولید می‌کند می‌تواند برد و اثرگذاری بیشتری نسبت به محصول ابی-نجفی داشته باشد، همین باشد که کار چاووشی بیشتر تمایل به ارائه هنر دارد تا یک مانیفست سیاسی تحریک‌کننده باشد.

در باتلاق سیاست

شاهین نجفی در گفت‌وگویی که باعث شد هواداران چاووشی حملات تندی را به او داشته باشند، می‌گوید: «شاید چاووشی را گروگان گرفته باشند، چون از هنرمند انتظار نمی‌رود که در معادلات سیاسی نقش ایفا کند». نکته جالبی است و البته او با این حرف اولین سوالات را درباره خودش شکل می‌دهد. او که دست‌کم در عالم موسیقی فعالیت دارد و از این مسیر شناخته شده، یکی از نفرت اول صف پوزیسون اکستریم‌های بوده و این موضوع نقش اساسی در شکل‌گیری آثاری دارد که تولید کرده است. موضوع اینجا جالب‌تر می‌شود که نجفی که خودش تا گردن در باتلاق سیاست فرو رفته، هنرمندان را واجد صلاحیت در معادلات سیاسی نمی‌داند. پس اگر او همان‌طور که خودش می‌گوید موزیسین و هنرمند نیست و یک اکتیویست اکستریم‌های خشن است، پس اصولاً چرا باید درباره آثار فرهنگی و هنری اظهار نظر کند؟ این حرف‌ها بیش از هر چیزی علیه خود او عمل می‌کند و میزان علاقه‌مندی مخاطبان و ماندگاری آثاری که تولید کرده نیز اثبات این مدعاست که تولید آثار هنری با پیش‌فرض‌ها و امیال سیاسی، با اهداف خاص تأثیرگذاری در همان میدان، نمی‌تواند در زمینه خودشان به موفقیتی دست پیدا کنند. به همین خاطر است که در سال‌های گذشته هیچ‌کسی از موسیقی یا آهنگ‌های شاهین نجفی حرفی نمی‌زند و اگر صحبتی هم از او هست، مربوط به دشنام‌ها یا توری‌های افراط‌گرایانه است. روشی که هرچند او را کاملاً از حوزه فرهنگ و موسیقی دور کرده اما نتوانست از او یک سیاستمدار بسازد. او نیز مانند بسیاری دیگر این روزها یک چهره فضای مجازی با ایدئولوژی افراط‌گرایی خشن است اما چاووشی با وجود نقدهایی که نسبت به آثار و شخص خودش وجود دارد، هنوز خودش را در مجموعه فرهنگ و هنر حفظ کرده است. امروز چاووشی یک خواننده و آهنگساز است که آثار خوب، متوسط و ضعیف تولید می‌کند و نه یک فعال سیاسی!



دیدگاه: یادداشت اقتصادی

فراتر از اقتصاد

چین چگونه تبدیل به معجزه شد؟

حسین راهداری

تحلیلگر اقتصاد

احتمالاً تصاویر دیدار ترامپ و هیأت همراهش با مقامات چین را دیده‌اید؛ حیرت مارکو رویو، وزیر امور خارجه ضدچین آمریکا، از شکوه و معماری محل مذاکرات و حتی شگفتی خود ترامپ از عظمت تاریخی و فرهنگی چین، توجه بسیاری را جلب کرد. اما آنچه بیش از همه اهمیت داشت، ترکیب هیأت همراه ترامپ بود؛ مجموعه‌ای از برجسته‌ترین چهره‌های فناوری و سرمایه‌داری آمریکا که به امید سهم بردن از اقتصاد عظیم چین در این سفر حضور داشتند. دیدن این صحنه‌ها دشوار است و انسان را به فکر فرو می‌برد که چرا ایران نتوانست حتی اندکی در مسیر توسعه چین حرکت کند؟ چرا شرایط به‌جایی رسیده که ترامپ در مواجهه با ایران، به‌جای همراهی مدیران بزرگ فناوری و اقتصاد آمریکا، افرادی کم‌اهمیت و حاشیه‌ای را به میدان می‌فرستد؛ کسانی که حتی نماینده رسمی سیاست خارجی آمریکا هم محسوب نمی‌شوند؟ با این حال شاید نباید حسرت خورد. انسان برای چیزی حسرت می‌خورد که امکان تحقق‌اش وجود داشته اما محقق نشده است نه برای مسیری که اساساً طی کردن آن بسیار دشوار یا حتی ناممکن بوده باشد. سال‌ها تصور می‌کردم ایران می‌تواند از الگوی چین درس بگیرد. گمان می‌کردم شاید حاکمان ایران، که نگاه انتقادی عمیقی به غرب دارند، متوجه شوند که نمونه‌های موفق توسعه الزاماً غربی نیستند و چین نمونه‌ای روشن از یک مدل غیرغربی موفق است. اما بعدها دریافتم که این تصور بیشتر شبیه «آب در هاون کوبیدن» بوده است. حتی اگر ایران را کنار بگذاریم، روسیه نیز می‌توانست تا حد زیادی مسیر چین را طی کند. این کشور علاوه بر وسعت و ظرفیت ژئوپلیتیکی از منابع عظیم انرژی نیز برخوردار است. اما چرا روسیه به‌جای تبدیل شدن به قطب اقتصاد و تولید جهان به اقتصادی رانته و الیگارشیک بدل شد که بقای آن بیشتر بر بازی‌های سیاسی، نفوذ ژئوپلیتیکی و صادرات انرژی استوار است؟ واقعیت این است که توسعه صرفاً محصول منابع طبیعی، موقعیت جغرافیایی یا حتی نیروی انسانی نیست. بسیاری از کشورها منابع فراوان داشته‌اند اما هرگز نتوانسته‌اند، آن را به قدرت پایدار اقتصادی تبدیل کنند. تفاوت اصلی اغلب در نوع نگاه حاکمیت و جامعه به مفهوم «قدرت» نهفته است. در چین، قدرت تنها در موشک و ارتش تعریف نشده؛ بلکه کارخانه، بندر، دانشگاه، فناوری، صادرات و سرمایه‌گذاری نیز به ابزار قدرت ملی تبدیل شدند. چین فهمید که در جهان مدرن، نفوذ اقتصادی می‌تواند حتی مؤثرتر از قدرت نظامی عمل کند. از سوی دیگر، توسعه نیازمند نوعی ثبات روانی و اجتماعی است؛ جامعه‌ای که دانماً درگیر بحران، تش و دوگانگی باشد، انرژی خود را صرف بقاء می‌کند نه پیشرفت. چین با همه انتقادهایی که به ساختار سیاسی آن وارد است، توانست برای چند دهه یک هدف ملی مشخص را دنبال کند: تبدیل شدن به قدرت اقتصادی جهان. این تداوم و تمرکز همان چیزی است که در بسیاری از کشورهای خاورمیانه، از جمله ایران، کمتر دیده می‌شود. واقعیت این است که خلق‌وخو و ساختار فرهنگی و سیاسی ملتها، چیزی نیست که بتوان آن را مانند لباس تغییر داد. تغییر حتی در سطح فردی دشوار است؛ چه برسد به تغییر یک جامعه تاریخی و پیچیده مانند ایران. بسیاری از انسان‌ها حتی در ساده‌ترین تغییرات زندگی شخصی خود نیز گرفتارند؛ گاه خود نمی‌خواهند تغییر کنند و گاه خانواده، جامعه یا ساختارهای سیاسی مانع می‌شوند. حتی مهاجرت نیز برای بسیاری راه‌حل قطعی نبوده است. تغییر یک جامعه، آن هم جامعه‌ای با پیچیدگی‌های تاریخی، فرهنگی و فشارهای خارجی به‌مراتب دشوارتر است. جامعه‌ای که به‌جای کاهش پیچیدگی‌ها برای حرکت به سمت توسعه، مدام پیچیدگی‌های تازه تولید می‌کند و به‌جای رهایی از بندهای تاریخی، زنجیرهای جدیدی بر پای خود می‌بندد. از این منظر معجزه واقعی چین صرفاً رشد اقتصادی آن نیست. اقتصاد چین محصول معجزه‌های بزرگ‌تر است: توانایی یک تمدن کهن برای بازتعریف خود در جهان مدرن، بدون گرفتار شدن در افراط و تفریط. نه درگیر شدن دائمی در نزاع‌های ایدئولوژیک و تاریخی با جهان و نه سقوط به ورطه وابستگی و فروپاشی. حتی آمریکا نیز نمونه جالبی است. چرا این کشور به‌جای تسخیر جهان از مسیر سرمایه‌گذاری، تولید و گسترش اقتصادی، بارها وارد جنگ‌ها و لشکرکشی‌های برهزینه می‌شود و دشمنان تازه‌ای برای خود می‌سازد؟ چرا قدرت‌ها نیز گاه توان تغییر مسیر خود را ندارند؟ البته این سخنان به‌معنای ناتوانی ایران و ایرانیان در تغییر نیست. تغییر ممکن است و نمونه‌های آن نیز وجود داشته است؛ اما این تغییر هزینه‌های سنگینی دارد، زمانبر است و نیازمند تحولات عمیق فرهنگی، اجتماعی و سیاسی است. شاید بی‌مورد حتی بخشی از مسیر چین برای ایران بسیار دشوار باشد؛ و اگر هم ممکن باشد شاید در مقیاس عمر یک نسل رخ ندهد. چنین تغییری، بیش از هر چیز، به یک معجزه تاریخی نیاز دارد.

توسعه

بررسی تحولات اقتصادی

وزیر نامرئی

چرا سیدمحمد اتابک، وزیر صمت را باید وزیری موفق دانست؟

فریده اسکندری

گروه اقتصاد

در میان وزرای اقتصادی دولت چهاردهم، سیدمحمد اتابک، چهره‌ای متفاوت از دیگران دارد. مدیری جدی به‌دور از هیاهو و کم‌حرف که بیش از آنکه اهل جلوه و نمایش باشد، ترجیح می‌دهد در سکوت، کارش را پیش ببرد. چهره آرام و اغلب عبوس او شاید در نگاه نخست، تصویری از یک مدیر سخت‌گیر و غیرمنعطف ایجاد کند اما کسانی که تجربه همکاری با او را داشته‌اند از روحیه تعاملی، مشورت‌پذیری و رفتار حرفه‌ای‌اش سخن می‌گویند. اتابک نه شفیفته دوربین است و نه علاقه‌ای به ساختن تصویرهای تبلیغاتی از خود دارد. بی‌حاشیه می‌آید، مسئولیتش را انجام می‌دهد و بی‌سروصدا می‌رود. برخلاف برخی هم‌تایانش در دولت چهاردهم که تصمیم‌گیری را به حلقه‌های بسته محدود می‌کنند، او معمولاً تلاش کرده، امور را با اجماع و گفت‌وگو پیش ببرد. علیرغم برخی انتقاداتی که از بابت برخی از انتصاباتش به او وارد می‌شود، باید گفت که اطراف او را ترکیبی از مدیران خوش‌نام بخش خصوصی، کارشناسان صنعتی و مدیران با تجربه دولتی گرفته‌اند. افرادی که بیشتر به کارنامه اجرایی شناخته می‌شوند تا جلوه و نمایش. شاید به همین دلیل است که در دوره مدیریت او در وزارت صنت، معدن و تجارت، کمتر تصمیمی را بتوان یافت که شتابزده یا صرفاً نمایشی بوده باشد. اما چرا در این نوشتار به تمجید از سیدمحمد اتابک پرداخته‌ایم؟

واقعیت این است که وزیر صنعت، معدن و تجارت در اقتصاد ما، یکی از پیچیده‌ترین و دشوارترین مسئولیت‌های اجرایی کشور را برعهده دارد. چراکه این وزارتخانه عریض و طویل در نقطه تلاقی سه حوزه حیاتی اقتصاد ایران یعنی تولید صنعتی، صنایع معدنی و تجارت قرار گرفته است. گستردگی وظایف این وزارتخانه به‌گونه‌ای است که از مدیریت بازار کالا‌های اساسی و تنظیم قیمت‌ها تا توسعه صنایع بزرگ، معادن، صادرات، واردات، خودروسازی، فولاد، سیمان، لوازم خانگی و حتی اصناف را در بر می‌گیرد. یکی از مهم‌ترین چالش‌های وزیر صمت، اقتصاد دولتی و مداخلات گسترده حاکمیتی است. در بسیاری از صنایع بزرگ کشور، دولت یا نهادهای شبه‌دولتی همچنان نقش تعیین‌کننده دارند و همین مسأله، فضای رقابتی و تصمیم‌گیری اقتصادی را محدود می‌کند. وزیر صمت در عمل ناچار است میان خواسته‌های بخش خصوصی، فشارهای سیاسی، الزامات اجتماعی و تصمیمات نهادهای بالادستی تعادل برقرار کند که در بسیاری از مواقع شکننده و دشوار است. تحریم‌های اقتصادی نیز از دیگر موانع اصلی این وزارتخانه محسوب می‌شود. محدودیت در دسترسی به فناوری، سرمایه‌گذاری خارجی، نقل‌وانتقال مالی و صادرات، باعث شده بسیاری از صنایع کشور با هزینه‌های بالا و بهره‌وری پایین فعالیت کنند. وزیر صمت در چنین شرایطی باید همزمان برای حفظ تولید، تأمین مواد اولیه، کنترل بازار ارز و جلوگیری از تعطیلی واحدهای صنعتی تلاش کند. چالش دیگر، بحران مزمن انرژی و زیرساخت در ایران است. صنایع بزرگ کشور، به‌ویژه فولاد، سیمان

دیدگاه: تحلیل اقتصادی

بد رشدی

چرا بهره‌وری نداریم؟

پیمان عزیزخانی

تحلیلگر اقتصاد

وقتی در اقتصاد از رشد پایدار سخن گفته می‌شود، مفهومی کلیدی به‌نام «بهره‌وری» در مرکز توجه قرار می‌گیرد؛ مفهومی که بسیاری از اقتصاددانان، آن را موتور اصلی توسعه بلندمدت می‌دانند. کشوری ممکن است با اتکا به منابع طبیعی، افزایش سرمایه‌گذاری یا رشد نیروی کار برای مدتی رشد اقتصادی بالایی را تجربه کند اما دوام این رشد بدون افزایش بهره‌وری تقریباً ناممکن است. به بیان ساده، بهره‌وری یعنی تولید بیشتر با استفاده بهینه‌تر از منابع موجود؛ یعنی افزایش ارزش‌افزوده بدون آنکه الزاماً سرمایه یا نیروی کار به همان نسبت افزایش یابد. اهمیت این موضوع تا جایی است که جایزه نوبل اقتصاد سال ۲۰۲۵ به پژوهشگرانی تعلق گرفت که نقش تکنولوژی، نوآوری و بهره‌وری را در رشد اقتصادی



بازار نیز تکرار می‌شود. در مجموع، وزیر صنعت، معدن و تجارت در ایران صرفاً یک مدیر اقتصادی نیست؛ بلکه مدیری بحران‌محور است که باید همزمان با مشکلات ساختاری اقتصاد، محدودیت‌های سیاسی، تحریم‌ها، مطالبات اجتماعی و فشار افکار عمومی مقابله کند. موفقیت در چنین جایگاهی بیش از هر چیز نیازمند صبر، توان‌عامل، شناخت عمیق از اقتصاد واقعی و قدرت تصمیم‌گیری در شرایط پیچیده و پرتنش است. اما سوال این است که سیدمحمد اتابک چگونه به وزیری موفق در کابینه مسعود پزشکیان تبدیل شد؟ اتابک در تاریخ ایران و سرزمین‌های ترک‌تبار به معنای پدر امیر یا سرپرست و تربیت‌کننده فرمان‌روایان جوان بود. عنوانی برای مردانی که در سایه، بی‌هیاهو اما اثرگذار، امور را اداره می‌کردند. شاید سیدمحمد اتابک نیز در فضای پریهاوهی اقتصاد ایران بیش از آنکه یک سیاستمدار رسانه‌ای باشد، مدیری آرام، کم‌حاشیه و متمرکز بر اداره امور صنعت و تولید کشور است. او متولد ۱۳۳۷ و دانش‌آموخته مهندسی عمران از دانشگاه میشیگان آمریکاست. مدیری که بخش مهمی از عمر حرفه‌ای خود را در صنایع مسادر، پروژه‌های عمرانی

و بنگاه‌های بزرگ اقتصادی سپری کرده است. از مدیریت سیمان تهران گرفته تا حضور در رأس هلدینگ صنایع معدنی کاوه پارس و معاونت اقتصادی بنیاد مستضعفان، مسیر کاری او بیش از هر چیز با مدیریت صنعتی و اقتصادی گره خورده است. او همچنین در پروژه‌های بزرگی همچون طرح نواب، احداث کارخانه‌های سیمان و فولاد و توسعه زیرساخت‌های صنعتی کشور نقش داشته است. اتابک در مرداد ۱۴۰۳ با رأی قابل توجه مجلس به‌عنوان وزیر صنعت، معدن و تجارت دولت مسعود پزشکیان انتخاب شد. انتخابی که در آن زمان از سوی بخشی از فعالان اقتصادی و صنعتگران با استقبال مواجه شد چراکه بسیاری او را مدیری فنی، صنعت‌فهم و آشنا با سازوکار واقعی تولید می‌دانستند. او برخلاف بسیاری از مدیران سیاسی از دل بنگاه و صنعت آمده و زبان تولیدکنندگان را می‌فهمد. در کارنامه او ریاست انجمن صنفی کارفرمایان صنعت سیمان، عضویت در شورای مشورتی وزارت صنایع و مجلس، عضویت در هیأت نمایندگان اتاق بازرگانی تهران و مدیریت چندین شرکت بزرگ صنعتی و سرمایه‌گذاری دیده می‌شود. همین سابقه باعث شده، نگاه او به اقتصاد بیشتر مبتنی بر واقعیت‌های میدانی باشد تا شعارهای اداری. به عبارتی اتابک وزیری است که پاهایش روی زمین است و به‌اصطلاح روی زمین راه می‌رود. البته مسیر کاری او خالی از حاشیه نیز نبوده است. وزارت خزانه‌داری آمریکا، نام اتابک را به‌دلیل مدیریت هلدینگ کاوه پارس، وابسته به بنیاد مستضعفان، در فهرست تحریم‌های خود قرار داد. با این حال این موضوع در فضای مدیریتی داخل کشور بیشتر به‌عنوان نشانه‌ای از حضور او در بخش‌های مهم اقتصادی تلقی شد تا یک نقطه ضعف سیاسی. بسیاری معتقدند عملکرد اتابک باید در چارچوب اختیارات محدود وزارت صمت و شرایط پیچیده اقتصاد ایران سنجیده شود. او وارث ساختارهایی فرسوده، اقتصاد دستوری، بحران سرمایه‌گذاری، محدودیت‌های ارزی و شبکه‌ای پیچیده از مداخلات دولتی بوده است؛ ساختارهایی که اصلاح آنها از توان یک وزارتخانه به‌تهایی خارج است. با این حال، اتابک تلاش کرده تا حد ممکن نگاه دولت را از تصدی‌گری مستقیم دور کند و فضا را برای بخش خصوصی بازتر بگذارد. او از جمله مدیرانی است که به تسهیل تجارت، کاهش برخی تعرفه‌ها و کاهش مداخله دولت در صنعت باور دارد. خروج دولت از مدیریت ایران‌خودرو را می‌توان یکی از مهم‌ترین و بحث‌برانگیزترین تصمیمات دوران او دانست. اقدامی که اگرچه با مقاومت‌هایی همراه شد اما از نگاه بسیاری از فعالان اقتصادی، گامی در جهت اصلاح ساختار صنعت خودرو بود. با این حال شاید مهم‌ترین تصویر از اتابک نه در جلسات رسمی و نه پشت تریون‌های دولتی بلکه در روزهای بحرانی سال ۱۴۰۴ شکل گرفت؛ روزهایی که کشور درگیر دو جنگ تحمیلی و شرایطی پیچیده و پرتنش بود. در آن روزها برخلاف بسیاری از مدیران که ترجیح می‌دادند در فضای بسته جلسات باقی بمانند، او در میدان حضور داشت؛ به کارخانه‌ها سر می‌زد، با مدیران صنعتی گفت‌وگو می‌کرد و تلاش داشت جریان تولید متوقف نشود. برای او صنعت صرفاً مجموعه‌ای از آمار و گزارش نبود. کارخانه‌ها، کارگران و خطوط تولید، بخشی از موجودیت اقتصادی کشور بودند که باید حتی در سخت‌ترین شرایط نیز سر پا می‌ماندند. شاید اتابک را بتوان یک سیاستمدار کارزماتیک یا چهره‌ای محبوب در فضای رسانه‌ای دانست اما دقیقاً همین فاصله‌اش با هیاهوی سیاسی است که او را به مدیری متفاوت تبدیل کرده است. مدیری که هنوز به کار کارشناسی، گفت‌وگو با اهل فن و تصمیم‌گیری آرام و تدریجی باور دارد. در دوره‌ای که بسیاری از مدیران بیش از آنکه درگیر حل مسأله باشند، مشغول مدیریت تصویر خود هستند، اتابک همچنان ترجیح می‌دهد کمتر دیده شود و بیشتر کار کند.

نشان می‌دهد که بخش مهمی از رشد اقتصادی ایران ناشی از افزایش بهره‌وری بوده است. اما آیا واقعاً چنین است؟ پاسخ به این پرسش چندان ساده نیست. در بسیاری از محاسبات اقتصادی، هر بخشی از رشد که توسط افزایش سرمایه یا نیروی کار توضیح داده نشود، ذیل بهره‌وری کل عوامل تولید قرار می‌گیرد. در نتیجه، عواملی مانند افزایش صادرات نفت، تغییر شرایط تحریمی یا جهش قیمت جهانی انرژی نیز ممکن است به‌طور غیرمستقیم در قالب رشد بهره‌وری ثبت شوند؛ درحالی‌که این تحولات الزاماً ارتباطی با بهبود تکنولوژی، مدیریت یا کارایی اقتصادی ندارند. به همین دلیل، استفاده از واژه بهره‌وری در تحلیل رشد اقتصادی ایران باید با احتیاط بیشتری صورت گیرد. اقتصاد ایران همچنان برای دستیابی به رشد پایدار نیازمند سرمایه‌گذاری گسترده، رونق بازار کار، ثبات اقتصادی و دسترسی به فناوری‌های نوین است. بدون بهبود فضای کسب‌وکار، افزایش رقابت‌پذیری و ارتقای کیفیت نیروی انسانی، رشد اقتصادی نمی‌تواند ماندگار باشد. در نهایت، بهره‌وری نه یک آمار تزئینی بلکه معیاری برای سنجش کیفیت رشد اقتصادی است. رشد واقعی زمانی اتفاق می‌افتد که اقتصاد بتواند با منابع محدود، تولید بیشتر، کارآمدتر و رقابتی‌تری ایجاد کند؛ مسیری که هنوز برای اقتصاد ایران بیش از آنکه یک واقعیت باشد، یک ضرورت و هدف آینده است.



تئوری های توطئه

بازخوانی شایعات پس از زلزله پردیس



فائزه مومنی

گروه اجتماعی

شامگاه ۲۲ اردیبهشت ماه، وقتی تکانه‌های زمین‌لرزه‌ای به بزرگی ۴.۶ ریشتر حوالی پردیس و بخش‌های وسیعی از تهران را لرزاند، فرآیند گسلش تنها در اعماق چند کیلومتری پوسته زمین رخ نداد. موازی با لرزش فیزیکی خاک، تکانه‌ای به مراتب عمیق‌تر در فضای روانی و رسانه‌ای جامعه شکل گرفت که بلافاصله مرزهای یک پدیده طبیعی را درنوردید و به میدان جنگ روایت‌ها و تئوری‌های توطئه تبدیل شد. تنها در عرض چند ساعت، بستر شبکه‌های اجتماعی و متعاقب آن گفت‌وگوهای روزمره مردم در تأثیری متقابل، انباشته از سناریوهایی شد که زلزله را به آزمایش‌های هسته‌ای زیرزمینی، تست‌های موشکی، بمب‌های سنگ‌شکن و پروژه نام‌آشنای «هارب» پیوند می‌زدند. این حجم از افسانه‌پردازی پیرامون یک رخداد متوسط زمین‌شناسی بیش از آنکه بازتابی از واقعیت فیزیکی زمین باشد، نشان‌دهنده یک وضعیت بحرانی در روان‌شناسی اجتماعی و ساختار ارتباطی جامعه است.

قضای

کانال کافه دیزاین

جلسه محاکمه صادق ساعدی‌نیا، تحت تأثیر اعتراضات دی‌ماه ۱۴۰۴ برگزار شد

گروه اجتماعی: دادگاه انقلاب اسلامی قم، دیروز میزبان جلسه رسیدگی به اتهامات صادق ساعدی‌نیا بود. مردی که تا همین چندی پیش با ایده آوردن «کافه» به صنعت سنتی سوهان و استفاده از استانداردهای مدرن اروپایی شناخته می‌شد اکنون با اتهاماتی جدی درخصوص اقدام علیه امنیت ملی روی صندلی متهم نشسته است.

جزئیات کیفرخواست و مستندات فضای مجازی متهم

در ابتدای این جلسه علنی که با حضور رئیس و مستشاران دادگاه، نماینده دادستان، متهم و وکلای مدافع وی برگزار شد کیفرخواست صادره از سوی دادسرا قرائت گردید. نماینده دادستان با قرار گرفتن در جایگاه، اتهامات صادق ساعدی‌نیا فرزند محمدعلی، متولد ۱۳۵۶ را در سه عنوان اصلی تشریح کرد. براساس این کیفرخواست، «فعالیت تبلیغی یا رسانه‌ای برخلاف امنیت کشور»، «اقدام عملیاتی از طریق انتشار استوری، فعالیت مجازی، حضور در تجمعات غیر قانونی، تعطیل کردن کافه‌ها و مغازه‌های متعلق به خود در کل کشور

و تشویق کارکنان به فعالیت علیه امنیت» همچنین «فعالیت تبلیغی علیه نظام جمهوری اسلامی ایران» از محورهای اصلی اتهامات وی به‌شمار می‌رود. بخش عمده‌ای از مستندات ارائه‌شده توسط نماینده دادستان بر اطلاعات استخراج شده از لوازم الکترونیکی و تلفن همراه متهم استوار بود. طبق گزارش دادستانی بررسی فنی پیام‌ها و فایل‌های صوتی نشان می‌دهد که متهم، گروهی را در پیام‌رسان واتس‌آپ به‌نام «کافه دیزاین» مدیریت می‌کرده که هدف آن هماهنگی امور کافه‌های زنجیره‌ای بوده اما دادستان اعلام کرده در ایام اعتراضات به بستری برای بررسی میزان بازخورد استوری‌های اعتراضی و هماهنگی برای تعطیلی

کسب‌وکارها همزمان با فراخوان‌ها تبدیل شده است. نماینده دادستان با اشاره به فایل‌های صوتی موجود، مدعی شد که متهم در پاسخ به تذکر دوستانش مبنی بر ایجاد مشکل قانونی در گروه اعلام کرده که گوشی اصلی خود را خاموش کرده تا ردیابی نشود و با خط دیگری با کارکنان در ارتباط است. همچنین تصاویری از دست‌نویس‌های سیاسی یکی از کارمندان و پیام‌های اعضای گروه درباره حضور در تظاهرات میدان آزادی تهران و خیابان‌های قم به‌عنوان مستندات همراهی مجموعه با اعتراضات به دادگاه ارائه شد. در پایان دادستانی با استناد به مواد ۴ و ۱ قانون تشدید مجازات جاسوسی و همکاری با کشورهای متخاصم و ماده ۵۰۰ قانون مجازات اسلامی، خواستار صدور حکم مقتضی شد.

زمین‌لرزه طبیعی کاملاً متفاوت است. ایستگاه‌های ثبت زلزله در سطوح ملی و بین‌المللی به‌سادگی می‌توانند، تمایز میان این دو پدیده را شناسایی کنند؛ چراکه الگوی امواج زلزله پردیس و عمق ۱۰ کیلومتری آن در کنار ثبت زنجیره‌ای از پس‌لرزه‌های متعدد به‌وضوح نشان‌دهنده یک فرآیند گسلش کاملاً طبیعی است. شایعات مربوط به بمب‌های سنگ‌شکن یا انفجارهای موضعی نیز با قوانین اولیه ترمودینامیک و زمین‌شناسی همخوانی ندارند. انرژی آزاد شده در یک زلزله متوسط، فرسنگ‌ها فراتر از توان قوی‌ترین تسلیحات متعارف بشر است و هیچ فعالیت انسانی یا انفجار سطحی نمی‌تواند، تنش ذخیره شده در گسل‌های عمیق که محصول فرآیندهای بلندمدت زمین‌ساختی پوسته هستند را تحریک یا فعال کند. حتی پروژه «هارب» که به‌عنوان ترجیع‌بند تمام تئوری‌های توطئه در حوادث اقلیمی تکرار می‌شود، یک سایت پژوهشی برای مطالعه لایه‌های فوقانی جو (یونوسفر) است و از نظر فیزیکی، کمترین توانایی برای ایجاد گسیختگی در سنگ‌کره زمین را ندارد.

هیزم بر آتش اضطراب عمومی

اما گره اصلی این ماجرا در بخش فیزیکی خاک نیست بلکه در ژئوپلیتیک رسانه‌ای و ارتباطات بحران نهفته است. شبکه‌های اجتماعی امروزه به‌عنوان کاتالیزورهای پرسرعت شایعه عمل می‌کنند. صفحات و کانال‌های ناشناس با آمیختن اطلاعات نپه‌بند واقعی، تصاویر آرشیوی مبهم و تحلیل‌های هیجانی سیاسی معجونی می‌سازند که برای مخاطب تشنه و مضطرب باورپذیر جلوه می‌کند. سسرعت حیرت‌آور چرخش اطلاعات در فضای مجازی پیش از آنکه نهادهای مسئول بتوانند، داده‌های متفن را پردازش و ارائه کنند، ذهنیت عمومی را شکل می‌دهد و آن را در برابر روایت‌های رسمی واکسینه می‌کند. در کنار این، رفتار جهت‌دار برخی رسانه‌های فارسی‌زبان خارج از کشور با دعوت از افراد غیرمتخصص و طرح سوالات شبهه‌برانگیز، فضای تردید

و شناخته‌شده‌ترین برندهای صنایع غذایی ایران با شعبه‌هایی در خارج از کشور است، حاصل یک زندگی کارگری و تلاشی سخت است. محمدعلی ساعدی‌نیا، پدر خانواده، بارها در گفت‌وگوهای خود چگونگی شکل‌گیری این نام را روایت کرده بود؛ نوجوانی که پس از مرگ پدرش در ۱۳ سالگی، مرد خانه شد و با دستمزد روزانه ۲۴ قران، آرزوی روزی را داشت که مردم مقابل مغازه سوهان‌فروشی او صف بکشند. توسعه این برند سنتی، زمانی وارد فاز جهانی شد که محصول تولیدی قم بدون دخالت مستقیم خانواده به پشت و پتیرین مغازه‌ای در فرانکفورت آلمان رسید. با ورود پسران خانواده یعنی صادق، علی و حسین به کسب‌وکار پدر این برند سنتی دچار تحولی بنیادین شد. صادق ساعدی‌نیا با تکیه بر ایده‌های مدرن، استفاده از مواد اولیه اروپایی مانند کره شکلات بلژیکی را بساب کرد و مفهوم «کافه سوهان» را پدید آورد. نقطه اوج این فعالیت‌ها، ایده ساخت یک مجتمع بین‌راهی بزرگ خانوادگی با الهام از ساختار مجموعه‌های تفریحی اروپا بود که در سال ۱۳۹۴ به افتتاح مجتمع عظیم «مهر ماه» با حضور رئیس وقت مجلس شورای اسلامی و مقامات کشوری منجر شد. همین کارنامه سبب شد تا وی در همان سال‌ها به‌عنوان کارآفرین برتر قم انتخاب و نامزد انتخابات اتاق بازرگانی شود.

ماجرای عذرخواهی پدر و مرزبانی از میراث خانوادگی

ورود ناگهانی این نام تجاری بزرگ به جریان اعتراضات دی‌ماه ۱۴۰۴ شوک بزرگی به بدنه اقتصادی و سنتی شهر قم وارد کرد. پس از بازداشت صادق ساعدی‌نیا و توقیف بخشی از اموال مجموعه، محمدعلی ساعدی‌نیا، پیر دیر و بنیان‌گذار این برند، در اقدامی سریع تلاش کرد تا حساب میراث صنعتی خود را از جریان‌های سیاسی جدا کند. بیستم بهمن‌ماه، مدتی پیش از تحولات سیاسی اخیر و شهادت رهبر انقلاب، نامه‌ای با امضای پدر خانواده خطاب به مردم و مقامات منتشر شد.

محمدعلی ساعدی‌نیا در آن نامه، اقدام فرزندش در بستن کوتاه‌مدت مغازه‌ها همگام با بازار تهران را یک «اشتباه ناشی از مشکلات بازار و تأمین مالی کارخانه» خواند و رسماً از مردم عذرخواهی کرد. او با اعلام انزجار از سوءاستفاده رسانه‌های بیگانه، آمریکا و رژیم صهیونیستی و ابراز تأسف از بخش تصاویر محصولاتی که توسط برخی منابع خارجی، خود را پایبند به وطن و خون شهدا دانست. وی تأکید کرد که مشکلات اقتصادی باید به دلسوزان کشور منتقل شود نه اینکه به ایزاری برای بهره‌برداران دشمنان تبدیل گردد.



نظام، تصریح کرد که اشارات او در گفت‌وگوها به‌واژه «فروپاشی» صرفاً ناظر بر تحلیل‌های شخصی از فروپاشی و بحران اقتصادی بوده و جنبه سیاسی یا ساختارشکنی نداشته است. پس از اظهارات متهم و تأکید نماینده دادستان بر استفاده مجموعه از امکانات و بستری‌های قانونی نظام برای توسعه صنعتی خود، وکیل مدافع متهم با ارائه لایحه دفاعیه مکتوب خواستار بررسی دقیق‌تر زوایای پرونده شد و دادگاه، ادامه رسیدگی را به جلسه بعدی موکول کرد.

از دکان گل‌مالی قم تا صادرات به فرانکفورت

برای درک بهتر جایگاه متهم باید به پیشینه و ریشه‌های خاندان ساعدی‌نیا در ساختار اقتصادی استان قم بنگریست. امپراتوری سوهان‌فروشی ساعدی‌نیا که امروز یکی از مدرن‌ترین

را دامن می‌زند، درحالی که رسانه‌های غیررسمی دیگر مستقیماً از واژگان تحریک‌آمیزی چون «زلزله مصنوعی» استفاده می‌کنند تا بر آتش اضطراب عمومی بدمند. از سوی دیگر نمی‌توان از نقش کلیدی «تأخیر در اطلاع‌رسانی رسمی» و ضعف در استراتژی‌های ارتباطات بحران گذشت. در تئوری‌های رسانه‌ای، شایعه محصول مستقیم حاصل ضرب «اهمیت موضوع» در «ابهام» است. وقتی تکانه‌ای شدید شهری چند میلیونی را نگران می‌کند هر تانه‌ای که بدون پاسخ علمی، صریح و شفاف بگذرد یک خلأ اطلاعاتی بزرگ ایجاد می‌کند. این خلأ انباشته از ابهام به سرعت توسط کانال‌های غیررسمی و روایت‌های هیجان‌انگیز شبه‌علمی مصادره و پر می‌شود. وقتی مراجع رسمی در ساعات اولیه پس از بحران سکوت می‌کنند یا پاسخ‌های کلیشه‌ای می‌دهند، افکار عمومی پاسخ ملموس و هرچند غیرواقعی خود را از تئوری‌های توطئه دریافت می‌کند.

باز تولید بحران

ریشه دوآند چنین رویکردهایی در مواجهه با پدیده‌های طبیعی پدیده‌ای منحصراً به جامعه ما نیست و در بسیاری از نقاط جهان پس از بحران‌های بزرگ دیده می‌شود اما میزان ماندگاری و سرعت نفوذ آن ارتباط مستقیمی با سطح سرمایه اجتماعی و اعتماد عمومی دارد. در ساختارهایی که پیوند اعتماد میان بدنه جامعه، رسانه‌های رسمی و نهادهای علمی تضعیف شده باشند، روایت‌های آنتزاتیو و توطئه‌محور شانس بیشتری برای تبدیل شدن به حقیقت پنداشته‌شده دارند. زلزله پردیس، آینه‌ای تمام‌نما از وضعیت روان‌شناختی و رسانه‌های جامعه‌ای بود که در میان گسل‌های عمیق بی‌اعتمادی اطلاعاتی و بحران‌های متوالی گرفتار شده است. تکانه‌های شب ۲۲ اردیبهشت گذشت و زمین آرام گرفت، اما اضطراب ناشی از روایت‌های موازی نشان داد که شکاف‌های عمیق اعتماد اجتماعی و روانی حتی از گسل‌های فعال پوسته زمین نیز پتانسیل بیشتری برای ویرانی و بازتولید بحران دارند.

روزشمار قطعی اینترنت



امروز ایران وارد هشتادمین روز محدودیت گسترده اینترنت بین‌المللی می‌شود؛ وضعیتی که از نهم اسفندماه ۱۴۰۴ و همزمان با آغاز جنگ آمریکا و اسرائیل علیه ایران شکل گرفت و با وجود گذشت حدود ۴۰ روز از آتش‌بس همچنان ادامه دارد. در این مدت، دسترسی عمومی به بخش بزرگی از پلتفرم‌ها و وبسایت‌های خارجی قطع یا به‌شدت محدود شده و اینترنت ایران عملاً در شرایط نیمه‌تعطیل قرار گرفته است.

تداوم این وضعیت، روز جهانی ارتباطات را امسال به صحنه‌ای متناقض تبدیل کرد؛ جایی که همزمان با سخن گفتن از «حق دسترسی پایدار به خدمات دیجیتال» کاربران ایرانی همچنان از اینترنت جهانی محروم مانده‌اند. مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهوری، در پیام خود به مناسبت این روز تأکید کرد «دسترسی باکیفیت و پایدار مردم به خدمات دیجیتال، بخشی از حق زندگی شایسته است» و از تلاش فعالان حوزه ارتباطات در دوران جنگ برای حفظ خدمات حیاتی کشور قدردانی کرد؛ اظهاراتی که در فضای فعلی واکنش‌های انتقادی متعددی را در پی داشت.

در سطح دولت نیز نشانه‌هایی از اختلاف‌نظر درباره آینده اینترنت دیده می‌شود. الیاس حضرتی، رئیس شورای اطلاع‌رسانی دولت، اعلام کرده که رئیس‌جمهور موافق بازگشایی اینترنت است اما درباره نحوه مدیریت این موضوع، اختلافاتی در ساختار تصمیم‌گیری وجود دارد. همزمان انتصاب محمدرضا عارف به ریاست ستاد ویژه ساماندهی فضای مجازی، نشانه‌ای از تلاش دولت برای بازآرایی ساختار حکمرانی اینترنت ارزیابی می‌شود؛ هرچند تاکنون برنامه مشخصی درباره زمان یا شیوه رفع محدودیت‌ها ارائه نشده است.

در این میان، نهادهای تخصصی و فعالان اقتصاد دیجیتال نسبت به تبعات ادامه محدودیت‌ها هشدار داده‌اند. سازمان نظام صنفی رایانه‌ای استان تهران در بیانیه‌ای به مناسبت روز جهانی ارتباطات، اینترنت را «زیرساخت حیاتی توسعه» توصیف و تأکید کرد که اختلال طولانی‌مدت در دسترسی عمومی علاوه بر آسیب به کسب‌وکارها و اقتصاد دیجیتال بر بهره‌وری، سرمایه اجتماعی و رقابت‌پذیری کشور نیز اثر مستقیم گذاشته است. این نهاد همچنین تأکید کرده که امنیت پایدار از مسیر قطع گسترده ارتباطات حاصل نمی‌شود و حکمرانی هوشمند و تقویت زیرساخت‌های تاب‌آور راهکار مؤثرتری برای مدیریت بحران است.



سال نهم شماره ۲۲۳۴
دوشنبه ۲۸ اردیبهشت ۱۴۰۵

آگهی

سازندگی: روزنامه سیاسی و اجتماعی
صاحب امتیاز: حزب کارگران سازندگی ایران
مدیرمسئول: امیرآقنای
سرمدبیر: اکبرمنتجی
زیرنظر شورای سیاستگذاری: سیدحسین مرعشی (رئیس)،
محمد عظیمیان، محمد فوجانی، علی هاشمی
سیدعلیرضا سیاسی‌راد، امیرآقنای
مدیرفنی: رضا دولت‌زاده
عکس: رضا معطران
ویراستار: سعیده آرین‌فر
حروفچین: سحر خورجوری
نشانی: تهران، پاسداران، نگارستان پنجم، پلاک ۸، تلفن: ۲۲۸۴۱۲۶۲
چاپ: امید نشر ایرانیان: ۹- ۸۵۳۷۱۶۸
توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰۰

مناقسه عمومی یک مرحله‌ای فراخوان



شهرداری اصفهان

مواعید زمانی:

- تاریخ انتشار فراخوان: ۱۴۰۵/۰۲/۲۸ *****
- مهلت دریافت اسناد فراخوان: تا ساعت: ۱۷:۰۰ *****
- مهلت ارسال پیشنهادات: تا ساعت: ۱۷:۰۰ *****
- زمان بازگشایی پاکت ها: ساعت: ۰۸:۰۰ *****
- نوع تضمین و سایر شروط در شرایط شرکت در مناقسه مشخص می باشد.
- آدرس دستگاه: اصفهان - خیابان آیت الله شمس آبادی، کوچه شماره ۲۳، معاونت خدمات شهری شهرداری اصفهان
- اطلاعات تماس: ۰۲۱۳۲۲۴۱۸۵ - ۰۲۱۳۲۲۴۱۸۶
- ۰۲۱۳۲۲۴۱۸۷

شهرداری اصفهان

آگهی اختصاصی موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی برابر ماده ۳ و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف

برابر آراء صادره هیئت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی تصرفات مالکانه بلا معارض مجید رحیمی کدملی ۲۱۳۲۹۲۲۰۲۸ متقاضی کلاسه پرونده ۱۴۰۴۱۱۴۴۱۲۴۸۰۰۰۲۸۸۴ در شش‌دانگ یک قطعه زمین که دران احداث بنا شده است بمساحت ۶۹۰ متر مربع از پلاک ۱۰۸ - اصلی واقع در اراضی با کر محله بخش ۳ حوزه ثبت ناحیه ۲ گرگان طبق رای صادره حکایت از تصرفات متقاضی دارد. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله پانزده روز آگهی می شود از این رو اشخاصی که نسبت به رای صادره فوق‌الذکر اعتراض داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی بمدت دو ماه اعتراض خود را با ذکر شماره پرونده به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید طرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی دادخواست خود را به مرجع ذصلاح قضائی تقدیم و گواهی تقدیم دادخواست را به این اداره ارائه نمایند. شناسه آگهی: ۲۱۶۲۹۹۷

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۲/۱۲

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۲/۲۸

سید عباس میر کاظمی
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه دو گرگان
از طرف احمد نبویان

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

۱ - برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۹۰۰۷۰۰۳۵۳۶ مورخه ۱۴۰۴/۰۲/۳۰ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک بوئین زهرا تصرفات مالکانه بلا معارض متقاضی امیر علی سلمی به شماره شناسنامه ۷۳۵ فرزند عبد اله در شش‌دانگ یک قطعه زمین به مساحت ۸۵۲۵/۹۸ متر مربع (بر اساس رای اصلاحی شماره ۱۴۰۴۱۰/۲۴ مورخه ۱۴۰۴۰۳۰۹۰۰۷۰۰۱۷۴۵۹ مساحت ملک ۱۰۲۳ متر مربع صحیح میباشد) از ۱۲۶ اصلی واقع در بخش ۹ موجب پرونده کلاسه ۱۴۰۷۰۰۱۰۲۷ مورخه ۱۴۰۳/۱۱/۱۴ محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی و نیز املاک واقع در روستاهای از تاریخ الصاق در محل به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و رسید اخذ نمایند و معترض باید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضائی تقدیم نموده و گواهی آن را به اداره ثبت اسناد و املاک تحویل دهد در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل را به اداره ثبت ارائه نکند اداره ثبت محل مباررت به صدور سند مالکیت مینماید و صدور سند مالکیت مانع مراجعه متضرر به دادگاه نمیباشد.

شناسه آگهی: ۲۱۷۸۳۴۵

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۲/۲۸

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۳/۱۳

سیروس محمد بیگی
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک بوئین زهرا
از طرف موسی حسین زاده

نوبت اول

شناسه آگهی ۲۱۷۹۴۱۹

آگهی تجدید مناقسه عمومی یک مرحله‌ای با ارزیابی ساده (شماره: ۸۷۱۵۰۰۴۰)



شرکت انتقال گاز ایران
منطقه ۸ عملیات انتقال گاز

تاریخ: ۱۳۹۴/۰۹/۲۲ در وجه شرکت انتقال گاز ایران، منطقه ۸ عملیات انتقال گاز)

۶- آخرین مهلت دانلود (دریافت) اسناد مناقسه و فرمها: روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۲/۰۴ ساعت ۱۰:۰۰

۷- آخرین مهلت بازگشایی پاکت (عودت) اسناد مناقسه و فرمها: روز شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۳/۱۶ ساعت ۱۱:۰۰

۸- زمان گشایش پاکت: روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۳/۱۷ ساعت ۱۰:۰۰ اتاق کمیسیون مناقصات.

۹- پیش پرداخت: ۲۰ درصد قیمت پیشنهادی جهت کسب اطلاعات بیشتر به سایت اینترنتی www.nigcdist.ir مراجعه فرمایید.

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۲/۲۹

روابط عمومی منطقه ۸ عملیات انتقال گاز ایران

نوبت اول



آگهی مناقسه عمومی

- ۵- مهلت قبول و بازگشایی پیشنهادات: از تاریخ ۱۴۰۵/۰۲/۲۸ تا تاریخ ۱۴۰۵/۰۲/۲۸ ساعت ۱۴:۰۰ در سامانه تدارکات الکترونیکی (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir می باشد.
- ۶- مهلت سوره شرکت در مناقسه مبلغ ۷۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال به حروف هفت میلیارد و پانصد میلیون ریال می باشد که می باشد به صورت یکی از روش های مشروحه ذیل در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir بازگشایی و اصل رسید بانکی واریز وجه یا ضمانت نامه بانکی تا تاریخ ۱۴۰۵/۰۳/۲۸ ساعت ۱۴:۰۰ به دبیرخانه شهرداری واقع در بلوار رسول اکرم (ص) ساختمان مرکزی شهرداری ملارد تسلیم گردد.
- الف) رسید بانکی واریز وجه مذکور به حساب شماره ۱۱۶۶۸۵۲۸۰۰۳ سپرده شرکت در مناقسه نزد بانک ملی شعبه ملارد ۲۶۱۶.
- ب) ضمانت نامه بانکی به نفع شهرداری ملارد به حساب به شماره ۰۱۱۶۶۸۵۲۸۰۰۳ نزد بانک ملی ایران شعبه ملارد کد ۲۶۱۶.
- ۷- لازم به ذکر است نقرات اول، دوم و سوم مناقسه هرگاه حاضر به انعقاد قرارداد نشوند سیره آنان به ترتیب به نفع کارفرما ضبط خواهد شد.
- ۸- لازم به ذکر است سایر اطلاعات و جزئیات مربوط به معامله در اسناد مناقسه مندرج می باشد.
- ۹- لازم به ذکر است شهرداری در رد یا قبول هر یک از پیشنهادها مختار است.
- ۱۰- زمان بازگشایی پیشنهادها در ساعت ۱۴:۰۰ روز سه شنبه تاریخ ۱۴۰۵/۰۲/۲۹ در سالن جلسات ساختمان مرکزی شهرداری ملارد می باشد.

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۲/۰۴

خدابخش محمدزاده بودینه شهردار ملارد

نوبت اول



آگهی فراخوان شناسایی و ارزیابی کیفی مناقسه گران

شرکت پتروشیمی ایلام به استناد مجوز صادره از کمیسیون معاملات مناقصات زیر با بصورت مناقسه عمومی دو مرحله ای با ارزیابی کیفی به شرح ذیل برگزار نماید.
۱- خرید ۸۰۰ تن استیلالیزر PIS HA-۴۱۱۰۶ مطابق مشخصات درج شده در اسناد مناقسه
۲- خرید SET STOP VALVE PIS-۰۴-۷۴۵ مطابق مشخصات درج شده در اسناد مناقسه
لذا بدینوسیله از شرکت های واجد شرایط دعوت میگردد در صورت تمایل به شرکت در این مناقصات از تاریخ ۱۴۰۵/۰۲/۲۴ به نامزای شرکت پتروشیمی ایلام به نشانی www.ilampetro.com / بخش کمیسیون معاملات زیر بخش مناقصات مراجعه و نسبت به دریافت اسناد ارزیابی کیفی اقدام و حداکثر تا ساعت ۱۵:۰۰ مورخ ۱۴۰۵/۰۳/۰۹ پاکت ارزیابی کیفی را صرفا در قالب (CD/FLASHMEMORY) به یکی از دو آدرس ذیل تحویل دهند: (درج شماره تماس موبایل، آدرس ایمیل و شماره مناقسه بر روی پاکت با مهر شرکت الزامی می باشد)
- تهران میدان شیخ بهایی، پلاک ۱۸، ساختمان رایان ونک، طبقه پنجم، واحد ۵۰۸ - واحد کمیسیون معاملات

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۲/۲۰

شرکت پتروشیمی ایلام

شناسه آگهی ۲۱۷۴۸۹۲



آگهی مناقسه عمومی نوبت دوم

شهرداری ابهر

شهرداری ابهر در نظر دارد نسبت به واگذاری پروژه احداث کانال دفع و هدایت آبهای سطحی شهر و هدایت روان آب (ناحیه مرکزی) را از طریق مناقسه عمومی به اشخاص حقوقی (پیمانکاران واجد شرایط و صلاحیت دار) از منابع داخلی شهرداری واگذار نماید، کلیه مراحل برگزاری مناقسه از دریافت اسناد مزایده تا ارائه پیشنهاد مناقسه گران و بازگشایی پاکتها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد و لازم است مناقسه گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقسه محقق سازند.

پروژه	اعتبار پروژه (به ریال)	سپرده شرکت در مناقسه
واگذاری پروژه پروژه احداث کانال دفع و هدایت آبهای سطحی شهر و هدایت روان آب (ناحیه مرکزی)	۷۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰	۳/۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال

مهلت خرید اسناد: از ساعت ۰۸:۰۰ تاریخ ۱۴۰۵/۰۲/۱۹ لغایت تا ساعت ۱۲:۰۰ مورخ ۱۴۰۵/۰۲/۲۸

مهلت قبول و ارسال پیشنهادات: تا ساعت ۱۳:۰۰ تاریخ ۱۴۰۵/۰۳/۰۷ سامانه ستاد ایران.

محل و تاریخ بازگشایی اسناد: ۱۴۰۵/۰۳/۰۷، ساعت ۱۳:۰۳ دفتر شهردار از طریق سامانه ستاد.

شهرداری در رد و قبول یک یا کلیه پیشنهادات مختار است.

سایر مشخصات در اسناد مناقسه مندرج است.

هزینه انتشار آگهی در روزنامه ها بر عهده برنده مناقسه می باشد.

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۲/۲۸

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۲/۲۱

مجید زارع پور - شهردار ابهر

@saazandeginews
saazandeginews
www.saazandegi.ir

